



An Examination and Explanation of Two Difficult Verses from the Story of Zal and Rudabeh in Shahnameh

Sajjad Aydenloo 

Professor of Department of Persian language and literature, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: aydenloo@pnu.ac.ir

DOI: [10.22034/perlit.2025.69626.3868](https://doi.org/10.22034/perlit.2025.69626.3868)

Article Info

Article type:

Research Article

Received 11 October 2025

Received in revised form 10
November 2025

Accepted 20 January 2025

Published online 23 July 2026

Keywords:

Tigh-e- Dožam, Gonbad-e-
Sim, Correction, Description,
Shahnameh

ABSTRACT

In the story of Zal and Rudabeh, Ferdowsi used a vehicle for the “nose” of Rudabeh, which appeared in three editions of the Shahnameh: “Simin Qalam”, “Tigh-e Dožam” and “Tighe Deram”, which has sparked debate among scholars. This article shows, with evidence, that the record of “Tigh-e Dožam” meaning “sharp and cutting blade”, in several manuscripts, is the more difficult and original record, and Ferdowsi presented her simile in the form of metaphor of identification (personification) and considered the “blade” as a person who is angry. In another verse from the same story, “from that silver dome, stretched on the ground/ prostrate on the mud the ambush lasso”, which is again a description of Rudabeh and its reading and reporting have been the subject of debate and disagreement, “gonbade-e sim is a metaphor for “sorin”(buttocks), and “Kamand-e Kamin” is a metaphor for Gisuye Boland(long hair) and “گل” should also be read “gel” so that the order and semantic sequence of the verse is correct. Rudabeh has spread her long hair, which is like a lasso that ambushes men, from her buttocks towards the ground.

Cite this article: Aydenloo, S. (2026). An Examination and Explanation of Two Difficult Verses from the Story of Zal and Rudabeh in Shahnameh. *Persian Language and Literature*, 79 (253), 30-55.
<http://doi.org/10.22034/perlit.2025.69626.3868>



© The Author(s).

Publisher: University of Tabriz.

Extended Abstract

Introduction

Although the correction of Shahnameh has a history of about two hundred years, and although commentaries have been written on this text and its problems have been addressed in hundreds of articles and notes, there are still verses in the Iranian national epic whose recording, meaning, and reading must be discussed.

Two examples of these difficult verses are in the story of Zal and Rudabeh, and both are in the description of Rudabeh.

Literature Review and Discussion

First: “two strong narcissus and two curved eyebrows/ the pillar of two eyebrows is like sharp blade.” The final part of the second stanza is also in the form of “Simin Qalam” and “Tighe Deram”. However, the record of “Tigh-e Dožam” in several manuscript (for example: Cairo796 AH, Zafar Nameh margin807, Dehli 831, Nur uthmaniyeh 834, etc.) is more difficult and superior, which has been correctly selected in the second edition of the Moscow printing and the second edition corrected by Dr. Khaleqi Motlaq.

Scholars such as Dr. Rawaqi in 1355 and 1368, Dr. Khaleqi Motlaq in 1366, 2001, and 1395, professor Jahanbakhsh in 1371, Dr. Omidsalar in 1374, Dr. Mowlaei in 1390, and Dr. Agha Babaei in 1399 recorded and explained the meaning of this verse and the last two words of the second stanza are called “Tighe Deram”, meaning “edge and side of the dram”, “Mixe- Deram: a coin-making tool”, “Tighe Daram: a type of knife or cutting weapon”, “Tighe deram: a silver coin or a silver blade”, “Tigh-e Dožam: a sharp blade” and “Tighe Qalam: the sharp tip of pen.”

A similar word to “Tighe Dožam” is used for “nose” in another verse of the Shahnameh. In this image, the “blade” is considered to be a human being who becomes “angry” (a sword), and this type of usage (i.e., attributing human qualities to the “blade”) is also found in the Shahnameh. “Tighe Dožam” means “sharp blade” and is similar to the one that is itself a metaphor for identification.

The second verse is: “from that silver dome stretched on the ground / prostrate on the mud the ambush lasso.” Reading and reporting of this verse have also been discussed by Dr. Ravaqi (1368), Dr. Khaleqi Motlaq (1369 and 2001), Dr. Dalvand (1397), and Dr. Aghqabaei (1399), and it has also been addressed in the commentary on the Shahnameh. In the verse, “Gonbade sim” is a metaphor for “buttocks”, “face”, “shoulders”, “head”, and “organs of the Rudabeh”, and “flower” is understood as “face” or “decorated with flower” and Gel: mud is used to mean “soil, earth”.

In the author’s opinion, “The dome of silver” is a metaphor for “the buttocks of Rudabeh” based on its uses in Persian literature, and “گل” in the second stanza should be read as “gel”.

“The ambush Lasso” is a metaphor for “the long hair of Rudabeh” and “head on the ground” and “prostrate,” is its attribute, and the verse says:

Rudabeh has spread her long hair, which is like a lasso that ambushes men, from her white, prominent buttocks towards the ground.

Keywords: Tigh-e- Dožam, Gonbad-e- Sim, Correction, Description, Shahnameh.

بررسی و توضیح دو بیت دشوار از داستان زال و رودابه در شاهنامه

سجاد آیدنلو

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: aydenloo@pnu.ac.ir

DOI: [10.22034/perlit.2025.69626.3868](https://doi.org/10.22034/perlit.2025.69626.3868)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	فردوسی در داستان زال و رودابه، تصویری (مشبه‌بھی) برای «بینی» رودابه به کار برده که در چاپ‌های شاهنامه به سه صورت «سیمین قلم»، «تیغ دژم» و «تیغ درم» آمده و بحث‌هایی در میان محققان برانگیخته است. در این مقاله با دلایل و قراینی نشان داده شده که ضبط «تیغ دژم» به معنای «تیغ تیز و بُرنده» در چند نسخه، نگاشته‌شده دشوارتر و اصلی است و فردوسی مشبه‌بھی تشبیه خود را در قالب استعاره مکئیّه (تشخیص) آورده و «تیغ» را همچون انسانی انگاشته که «دژم: خشمگین» است. در بیت دیگری از همین داستان «از آن گنبد سیم، سر بر زمین / فروهشته بر گل کمند کمین» که باز توصیف رودابه است و خوانش و گزارش آن محل بحث و اختلاف نظر بوده، «گنبد سیم» استعاره از «سُرین» و «کمند کمین» استعاره از «گیسوی بلند» است و «گل» را هم باید به کسر خواند تا نظم و توالی معنایی بیت درست باشد: رودابه زلف بلند خود را که همچون کمندی است که بر مردان کمین می‌گشاید، از سُرین خود به سوی خاک زمین آویخته و افشان کرده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳	
کلیدواژه‌ها: تیغ دژم، گنبد سیم، گل، تصحیح، شرح، شاهنامه.	
استناد: آیدنلو، سجاد (۱۴۰۵). بررسی و توضیح دو بیت دشوار از داستان زال و رودابه در شاهنامه. <i>زبان و ادب فارسی</i> ، ۷۹ (۲۵۳)، ۵۵-۳۰. http://doi.org/10.22034/perlit.2025.69626.3868	
ناشر: دانشگاه تبریز.	© نویسندگان.



۱. مقدمه

گرچه شاهنامه همواره یکی از مهم‌ترین و پرخواننده‌ترین آثار ادبی ایران بوده و هست، در گذشته برخلاف متونی مانند دیوان انوری، دیوان خاقانی، مثنوی معنوی، دیوان حافظ و... ظاهراً هیچ شرحی بر آن نوشته نشده است. بعضی از دلایل این کار (نوشته نشدن شرحی کامل بر ابیات شاهنامه) عبارت است از: ۱. سادگیِ صوریِ متن شاهنامه که معنای کلی ابیات و مفهوم داستان‌ها با خواندن روایات دریافت می‌شده است؛ ۲. جنبه رواییِ متن که باز در فهم کلی آن موثر است؛ ۳. عاری بودن ابیات فردوسی از تصنیعات و تکلفات ادبی چنان‌که در اشعار انوری و خاقانی هست و علاقه بیشتر به حلّ دشواری‌های این‌گونه بیت‌های مصنوع؛ ۴. روح شاهنامه‌خوانی و نقالی که سبب انس بیشتر شنوندگان با شاهنامه و روایات آن می‌شده و فهم ابیات را آسان‌تر می‌کرده است؛ ۵. غلبه ذهنیت و بینش عرفانی در سده‌های پیشین و گرایش به تفسیر و تأویل این نوع متن‌ها.^۱

در دوره معاصر، استادان و محققان مختلف با کارهایی نظیر تصحیح متن شاهنامه، نوشتن شرح بر گزیده شاهنامه، یک یا چند داستان شاهنامه و متن کامل آن، تألیف فرهنگ لغت و ترکیبات برای این اثر و نیز پرداختن به دشواری‌های متنی شاهنامه در مقالات و یادداشت‌های پرشمار، کوشیده‌اند بخشی از مشکلات مربوط به ضبطها، معانی و خوانش‌های حماسه ملی ایران را حل بکنند. با اینکه چاپ متن منقح شاهنامه در روزگار ما حدود دو بیست سال سابقه دارد^۲ و در این حوزه کارهای بزرگی مانند تصحیح جلال خالقی مطلق انجام گرفته و عرضه شده است و با اینکه دو شرح کامل/ نسبتاً کامل برای شاهنامه نوشته شده است^۳ و دو کار دیگر نیز در دست اقدام است^۴ و با اینکه از سال ۱۸۵۴م^۵ تا کنون صدها مقاله و یادداشت درباره مسائل متنی حماسه ملی ایران نوشته و چاپ شده است، هنوز در شاهنامه بیت‌هایی - مطابق بررسی‌های نگارنده، تقریباً هزار و پانصد بیت - هست که باید درباره ضبط، معنا یا چگونگی خواندن آن‌ها بحث و روشنگری کرد. در این مقاله دو نمونه از این بیت‌ها از داستان زال و رودابه طرح و بررسی می‌شود.

۲. بحث

۱-۲. «سیمین قلم»، «تیغِ درم» یا «تیغِ دژم»؟

کنیزان رودابه که می‌خواهند زال را دل‌باخته رودابه بکنند و به سوی او بکشانند در توصیف زیبایی رودابه به غلام زال می‌گویند:

دو نرگس دژم و دو ابرو به خم ستون دو ابرو چو تیغِ دژم

(۴۱۹/۱۱۱/۱)^۶

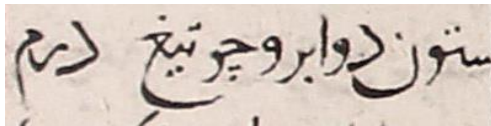
«ستون دو ابرو» در مصراع دوم استعاره از «بینی» رودابه است و برای مشبّه‌به آن (یعنی «تیغِ دژم») در ویرایش دوم تصحیح خالقی مطلق (این دگرسانی‌ها در نسخ شاهنامه دیده می‌شود):

سیمین قلم: فلورانس (۶۱۴ ه.ق)، ص ۶۳ نسخه برگردان؛ لنینگراد (۷۳۳ ه.ق)، ص ۲۸ پی‌دی‌اف عکس - نسخه؛ توپقاپوسرای (۷۷۲ ه.ق)، ص ۱۷ تصویر؛ بایسنقری/ بایسنقری (۸۲۹-۸۳۳ ه.ق)، ص ۶۰ چاپ عکسی؛ پاریس (۸۴۴ ه.ق)، ص ۸۰ پی‌دی‌اف؛ ایاصوفیه (۸۴۶ ه.ق)، ص ۳۳ پی‌دی‌اف؛ پاریس (۸۴۸ ه.ق)، ص ۸۴ پی‌دی‌اف؛ ایاصوفیه (۸۶۱ ه.ق)، ص ۳۶ پی‌دی‌اف؛ برلین (۸۹۴ ه.ق)، ص ۵۱ پی‌دی‌اف؛ محمد عاصم بی (۸۹۹ ه.ق)، ص ۴۵ پی‌دی‌اف؛ مونیخ (۹۰۲ ه.ق) ص ۷۶ پی‌دی‌اف؛ پاریس (۹۷۴ ه.ق) ص ۱۲۷ پی‌دی‌اف و ...

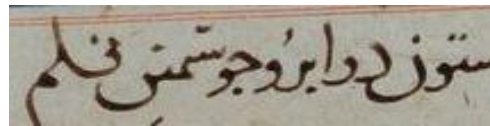
تیغ درم: لندن/ بریتانیا (۶۷۵)، برگ ۲۰ ب؛ سن ژوزف (احتمالاً کتابتِ اواخرِ سدهٔ هفتم و اوایلِ سدهٔ هشتم)، ص ۵۱
نسخه برگردان؛ توپقاپوسرای (۷۳۱)، ص ۴۰ پی دی اف؛ قاهره (۷۴۱)، ص ۲۲۳ تصویر؛ کاما (احتمالاً سدهٔ هشتم)، ص ۱۶ تصویر؛
دانشگاه استانبول (۸۹۵)، ص ۵۰ پی دی اف.

تیغ دژم: قاهره (۷۹۶)، ص ۲۲ پی دی اف؛^۷ حاشیهٔ ظفرنامه (۸۰۷)، ج ۱، ص ۹۴؛ دهلی (۸۳۱)، ص ۳۱ تصویر؛ نورعثمانیه
(۸۳۴)، ص ۳۵ پی دی اف؛ بادلیان (۸۱۷-۸۳۸)، ص ۹۹ پی دی اف؛ واتیکان (۸۴۸)، ص ۳۹ پی دی اف؛ بادلیان (۸۵۲)، ص ۸۴
پی دی اف؛ پاریس (تاریخ مقدمه: ۹۵۰)، ص ۹۶ پی دی اف؛ ایاصوفیه (۹۶۸)، ص ۴۱ پی دی اف؛ پاریس (۱۰۱۲)، ص ۷۳
پی دی اف؛ سلیمانیه (۱۰۸۰)، ص ۲۷ پی دی اف.

تیغ قلم: لیدن (۸۴۰)، ص ۴۲ پی دی اف؛ ایاصوفیه (۸۵۷)، ص ۳۶ پی دی اف؛ چستریتی (۹۰۵)، ص ۷۳ پی دی اف؛
مجلس (بی تاریخ، شماره ۱۷۲۳۷، ص ۲۳ پی دی اف)؛ دو تیغ قلم: لندن/ بریتانیا (۸۴۱)، ص ۴۷۹ تصویر؛ زرین قلم: سلیمانیه
(۸۴۳)، ص ۴۶ پی دی اف؛ بادلیان (۸۹۹)، ص ۱۰۳ پی دی اف؛ سیمین حم: بادلیان (۹۵۹)، ص ۱۰۳ پی دی اف؛ تیغ و قلم:
مجلس (۱۰۱۶)، ص ۱۰۶ پی دی اف؛ دو سیمین قلم: مجلس (۱۰۵۵)، ص ۳۶ پی دی اف؛ تیغ دو دم: ایاصوفیه
(بی تاریخ)، ص ۲۹ پی دی اف.



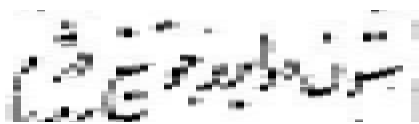
(تصویر ضبط «تیغ درم» در نسخهٔ سن ژوزف)



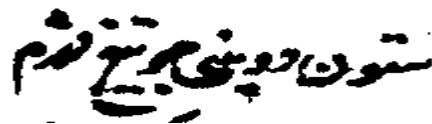
(تصویر ضبط «سیمین قلم» در نسخهٔ فلورانس، ۶۱۴ ه.ق)

ستون دو ابرو چو تیغ درم

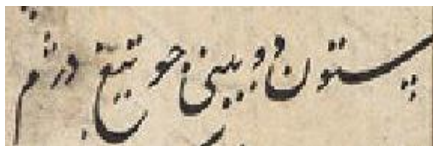
(تصویر ضبط «تیغ درم» در نسخهٔ کاما، احتمالاً قرن هشتم)



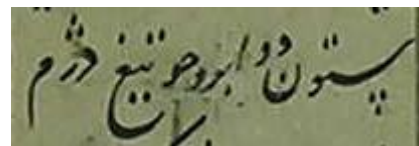
(تصویر ضبط «تیغ دژم» در نسخهٔ دهلی، ۸۳۱ ه.ق)



(تصویر ضبط «تیغ دژم» در نسخهٔ قاهره، ۷۹۶ ه.ق)



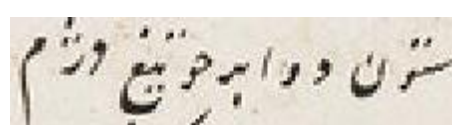
(تصویر ضبط «تیغ دژم» در نسخهٔ بادلیان، ۸۱۷-۸۳۸ ه.ق)



(تصویر ضبط «تیغ دژم» در نسخهٔ نورعثمانیه، ۸۳۴ ه.ق)



(تصویر ضبط «تیغ دژم» در نسخهٔ ایاصوفیه، ۸۶۱ ه.ق)



(تصویر ضبط «تیغ دژم» در نسخهٔ بادلیان، ۸۵۲ ه.ق)

در چاپ‌های شاهنامه این ضبط‌ها به متن رفته‌است: سیمین قلم: مکان (ج ۱، ص ۱۱۶)، مول (۱/۱۲۸/۵۲۶)، ووللرس/ فوللرس (۱/۱۵۸/۶۲۶)، کلاله خاور (۱/۱۲۷/۳۰۸۲)، بروخیم (۱/۱۵۱/۵۲۶)، دبیرسیاقی (۱/۱۶۸/۵۵۶)، مسکو (۱/۱۶۵/۵۵۲)، ویرایش اول تصحیح خالقی مطلق (۱/۱۹۲/۴۱۲)، قریب-بهبودی (۱/۱۲۶/۴۴۱)، کزازی (نامه باستان، ۱/۱۳۰/۲۵۵۵) و قریب (۱/۹۱/۴۴۲)؛ تیغ دژم: ویرایش دوم چاپ مسکو (ص ۱۷۴، ب ۴۴۶) و ویرایش دوم تصحیح خالقی مطلق (۱/۱۱۱/۴۱۹)؛ تیغ درم: جیحونی (۱/۱۳۶/۴۲۰)، ویرایش نهایی چاپ مسکو (۱/۱۵۱/۴۴۶) و بهفر (۲/۱۲۶/۴۵۴).

از بین محققان نخستین بار رواقی در سال ۱۳۵۵ به بیت مورد بحث از داستان زال و رودابه پرداخته و درباره ضبط «تیغ دژم» در ویرایش دوم چاپ مسکو نوشته‌اند: «اشکال ما در بیت آخر است در کلمه تیغ دژم ... اگر «تیغ» را به معنی شمشیر بگیریم و «دژم» را صفت از برای آن، آیا می‌شود بینی را به شمشیر خشمگین و تند و ناراحت تشبیه کرد؟ ... به نظر من «تیغ دژم» صورت نادرستی است از «تیغ درم» ... تیغ در اینجا به معنی لبه و کناره است و «تیغ درم» لبه و پهلو و کنار درم می‌تواند باشد که چون نازک است بینی را از باب قلمی بودن و باریک بودن به آن تشبیه کرده‌اند». ایشان سه شاهد هم از متن سمک عیار آورده‌اند که در آن‌ها تصویر «بینی چون تیغ درم» به کار رفته‌است (ر.ک: رواقی، ۱۳۵۵: ۱۸-۲۰). رواقی نظر خود را درباره درستی «تیغ درم» چند سال بعد (سال ۱۳۶۸) در نقد دفتر یکم شاهنامه تصحیح خالقی مطلق هم بازنوخته‌است (ر.ک: رواقی، ۱۳۶۸: ب ۳۳).

خالقی مطلق در سال ۱۳۶۶ نظر رواقی را در کتابچه/ رساله واژه‌های ناشناخته در شاهنامه چنین نقد کرده‌است: «در اینکه مانند کردن بینی به «تیغ دژم» درست نمی‌نماید بنده با ایشان هم‌رأی هستم. چیزی که هست تشبیه بینی به «تیغ درم» نیز مناسب نیست. شاید یک بینی عقابی را بتوان به درم مانند کرد ولی یک بینی قلمی را مشکل بتوان. ولی در هر حال چون در سمک عیار گواهی‌های آن هست، بر دوستداران بینی درمی جای ایرادی نیست. به گمان من «تیغ دژم» هر کجا در شاهنامه در تشبیه بینی آمده گشته «میخ درم» است که در برخی از دست‌نویس‌های شاهنامه هست و آن افزاری بوده‌است که بر آن نقش سگه را می‌کنده‌اند و در زدن سگه بکار می‌رفته‌است» (خالقی مطلق، ۱۳۶۶: ۱۸۵۳ و ۱۸۵۴).

جهان‌بخش در سال ۱۳۷۱ در نقد نظر مذکور از خالقی مطلق، نوشته‌است: «اولاً برخلاف نظر آقای دکتر خالقی بینی قلمی را می‌توان به کشیدگی و نازکی کنار درم تشبیه کرد و حتی به نظر من بینی عقابی را هم می‌توان به صفحه درم تشبیه نمود. ثانیاً تیغ برای یک رونویسگر واژه دشوارتری است یا میخ که بخواهد میخ را به تیغ بدل کند؟ ثالثاً اگر تیغ درم گشته میخ درم است چرا میخ درم را (که در نسخه‌بدلها هم نیست) به متن نبردید و سیمین قلم را باقی گذاشته‌اید؟ آیا به‌راستی «سیمین» ضبط دشوارتر از «میخ» (؟) و «تیغ» است. پس بهتر است همان ضبط تیغ درم را که برخلاف نظر مصحح محترم معنی هم دارد ... به متن ببریم» (جهان‌بخش، ۱۳۷۱: ۴۸).

امیدسالار در سال ۱۳۷۴ در مقاله‌ای ضبط «تیغ درم» را درست دانسته و در آن «دَرَم» (daram) را با خوانش مفتوح دو حرف نخست، به معنای «نوعی کارد» و «تیغ درم» را «تیغه نوعی کارد یا حربه برنده» گرفته‌است (ر.ک: امیدسالار، ۱۳۷۴: ۱۰۷). مولایی این معنا را برای «درم» نپذیرفته و پس از توضیحاتی نوشته‌است که در ترکیب «تیغ درم» برای «بینی»: «واژه «درم» ... به احتمال قریب به یقین در همان معنای اصلی خود یعنی «مسکوک سیمین» استعمال شده‌است. منتهی باید در نظر داشت که وجه شبه در این مورد به اقوی احتمال باریکی و نازکی و سفیدی بوده‌است. در مورد مفهوم «تیغ درم» یک احتمال دیگر هم می‌توان داد گرچه قدری دور از ذهن می‌نماید ولی طرح آن خالی از فایده به نظر نمی‌رسد. آن احتمال این است که شاید فردوسی درم را به علاقه جنسیت مجازاً در معنی «سیم و نقره» به کار برده باشد. در این صورت ترکیب تیغ درم را می‌توان ترکیب اضافی بیان جنس ... تلقی و «تیغی از نقره» معنی کرد» (مولایی، ۱۳۹۰: ۱۷۹ و ۱۸۰).^۸ به نظر ایشان در بیت مورد بررسی از داستان زال و رودابه «ترکیب

«سیمین قلم» تصحیف «تیغ درم» نیست بلکه ترکیبی اصیل و یقیناً از خود فردوسی است چنان‌که «تیغ درم» جزء ترکیبات اصیل شاهنامه است» (همان، ص ۱۸۱).

خالقی مطلق چند سال بعد، از نظر قبلی خود برگشته و در توضیح بیت وصف زیبای رودابه با ضبط «سیمین قلم» در ویرایش نخست خویش، نوشته است: «به گمان نگارنده تشبیه بینی به «تیغ سیمین» در این بیت نظامی: تو گویی بینی اش تیغی است از سیم + که کرد آن تیغ سیبی را به دو نیم (خسرو و شیرین) محتمل می‌کند که تیغ درم گشته تیغ درم به معنی «شمشیر تیز» است» (خالقی مطلق، ۱۳۹۱: بخش یکم: ۲۲۸). وی در سال ۱۳۹۵ در پاسخ نقد نگارنده بر ضبط «تیغ درم» در ویرایش دوم تصحیح‌شان، این توضیح را آورده است: «در دست‌نویس‌های شاهنامه بینی به سیمین قلم، میخ درم، تیغ قلم، تیغ درم و تیغ درم مانند شده است. از میان این پنج مشبّه‌به، امروزه دو تای نخستین برای ما قابل درک است. اینکه آیا فردوسی نیز آن‌ها را به کار برده یا نه، بستگی به بررسی جای آن‌ها در دست‌نویس‌های کتاب و گواه‌های دیگر در متون دیگر دارد. در مقابل سه مشبّه‌به دیگر امروز برای ما تصاویری نازیباست، ولی تردیدی نیست که فردوسی دست کم یکی از آن‌ها را به کار برده است. از آنجاکه بینی به شمشیر تیز و مطلق تیغ تشبیه شده است ... و در دست‌نویس‌های شاهنامه نیز نویسش تیغ درم آمده (و تیغ قلم نیز تیغ/ کارد را تأیید می‌کند) در درستی آن نمی‌توان تردید کرد. در مقابل، گواه‌های تیغ درم می‌تواند حاصل اجمال کاتب در نقطه‌گذاری باشد، مگر اینکه همان‌گونه که درباره تیغ درم گفته شد، مثال‌هایی داشته باشیم که دقیقاً روشن کند که منظور از درم، واقعاً همان مسکوک نقره است ... اخیراً آقای چنگیز مولایی در مقاله‌ای تأویلی از یک عبارت کتاب تحفة الغرائب کرده‌اند که درستی تیغ درم را در معنی «لبه سکه نقره» محتمل می‌سازد. با این حال، چه دلیلی هست که فردوسی حتماً تیغ درم گفته و نه تیغ درم؟ ... توجه شود که بینی کلاً نه به شمشیر/ کارد تشبیه شده است نه به سکه؛ بلکه از باب مبالغه به لبه باریک این اشیاء تشبیه شده است (و از این رو سفیدی سکه نقره نیز در اینجا نقشی ندارد) ... دیگر اینکه فردوسی تیغ درم گفته یا تیغ درم، بستگی به نتیجه بررسی دست‌نویس‌ها و نیاز قافیه دارد و این کار نیز همیشه آسان نیست» (خالقی مطلق، ۱۳۹۵: ۲۶ و ۲۷).

یکی از پژوهشگران هم معتقد است که: «با توجه به آنچه از ذوق زیباشناسانه ایرانیان قدیم پیش از اسلام می‌یابیم بر بلند و راست بودن بینی زیبا تصریح شده است. بنابر این واژه درم نمی‌تواند مشابه این شکل از بینی باشد. در طبع مسکو بجای تیغ درم، تیغ قلم آمده که به نظر صحیح‌تر است اما در تعبیر تیغ قلم همان‌طور که جزء قلم مدلول راستی و کشیدگی و بلندی بینی است، تیغ تیز نیز نمایانگر سرتیزی و باریکی بینی است» (آقابابایی، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

از شارحان، مصححان و چاپ‌کنندگان شاهنامه، جوینی در توضیح «سیمین قلم» در نسخه فلورانس، به ضبط «تیغ درم» و نظر رواقی هم اشاره کرده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۷۷: ۶۹). برگ‌نسی، صورت «تیغ درم» را پذیرفته و با ارجاع به مقاله پیش‌گفته از امیدسالار، آن را همانند وی (تیغه نوعی کارد یا حربه بُرنده) معنا کرده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۲۹۶). بهفر «تیغ درم» را همانند احتمالی که مولایی مطرح کرده، به معنای «شمشیر سیمین، شمشیر از نقره» دانسته است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۹۱ الف: ۱۲۶). خالقی مطلق نیز در گزارش شاهنامه «درم» را در ترکیب «تیغ درم» «کنایه از باریک و تیز» گرفته است (ر.ک: خالقی مطلق، ۱۴۰۳: بخش یکم، بهره یکم: ۳۳۱). قریب نیز ذیل بیت در ویرایش نهایی چاپ مسکو نوشته است: «چرایی تشبیه ستون دو ابرو به یکی از چهار شکل محتمل تیغ درم، تیغ درم، میخ درم و تیغ قلم مضبوط اکثر نسخه‌های موجود بر من دانسته نیست. سیمین قلم در نسخه‌های لن، ف نیز ظاهراً صورت توجیه‌شده و نه اصیل این تعبیر است» (فردوسی، ۱۳۹۱ ب: ۱/۱۵۱/ زیرنویس بیت ۴۴۶).

همان‌گونه که قریب نوشته است ضبط «سیمین قلم» در اقدم و اکثر نسخ شاهنامه، هم ساده شده است و هم فردوسی چند بیت پایین‌تر آن را به صورت مشبّه‌به برای «انگشتان» رودابه به کار برده است^۹ و پذیرفتنی نیست که او در فاصله چند بیت یک تصویر/

تشبیه را برای دو توصیف دو عضو بدن یک کس استفاده کرده باشد. از این روی وجه درست و نهایی را باید از میان دو ضبط «تیغِ درم» (به معنای «لبه سگه درم») یا «شمشیر ساخته شده از درم و مجازاً شمشیر نقره‌ای»^{۱۰} و «تیغِ دژم» برگزید. نگارنده برخلاف نظر پیشین خویش (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۹۴: ۸۶)، به چند دلیل و قرینه احتمال می‌دهد که شاید ضبط درست و اصلی «تیغِ دژم» باشد (ستون دو ابرو و چو تیغِ دژم) که ابتدا در ویرایش دوم چاپ مسکو و بعد ویرایش دوم تصحیح خالقی مطلق آمده است.

۱. «تیغِ دژم» نسبت به «تیغِ درم» ضبط ناآشنا تر و دشوارتری است و اگر بنا بر تغییر باشد، کاتبان «تیغِ دژم» را که پشتوانه چند نسخه کهن و معتبر را نیز دارد، به «تیغِ درم» تبدیل می‌کنند و بسیار بعید و ناپذیرفتنی است که «تیغِ درم» به «تیغِ دژم» تغییر یابد.

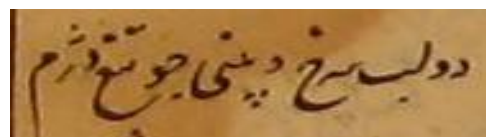
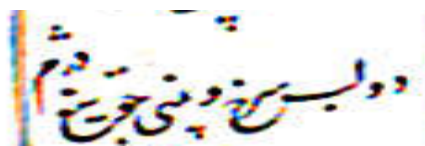
۲. ترکیب «تیغِ دژم» در جای دیگری از شاهنامه (پادشاهی خسرو پرویز، داستان شیر کپی و دختر خاقان چین) باز به گونه مشبّه به «بینی» به کار رفته است:

دو لب سرخ و بینی چو تیغِ دژم دو بیجاده خندان دو نرگس دژم

(۲۲۹۶/۹۶۹/۴)

در این بیت هم نسخه‌های لندن/ بریتانیا (۶۷۵)، توپقاپوسرای (۸۰۳ یا ۸۲۳)، لندن/ بریتانیا (۸۹۱) (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۷۷/۸/ زیرنویس ۶)، محمد عاصم بی (۸۹۹)، ص ۴۷۵ پی دی اف؛ ایصوفیه (۹۶۸)، ص ۵۴۵ پی دی اف؛ «تیغِ دژم» را نگه داشته اند اما بیشتر دست نویس ها (مانند: توپقاپوسرای (۷۳۱)، لنینگراد (۷۳۳)، کراچی (۷۵۲)، لندن/ بریتانیا (۸۴۱)، پاریس (۸۴۴) (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: همان جا)، سن ژوزف، ص ۹۲۵ نسخه برگردان؛ توپقاپوسرای (۷۷۲)، ص ۲۷۱ تصویر؛ نورعثمانیه (۸۳۴)، ص ۴۸۸ پی دی اف؛ بادلیان (۸۱۷-۸۳۸)، ص ۵۹۰ پی دی اف؛ ایصوفیه (۸۴۶)، ص ۴۹۴ پی دی اف؛ پاریس (۸۴۸)، ص ۱۲۵۹ پی دی اف؛ ایصوفیه (۸۶۱)، ص ۴۹۲ پی دی اف؛ دانشگاه استانبول (۸۹۵)، ص ۵۴۸ پی دی اف «تیغِ درم» دارند. نویسش نسخ دیگر نیز «تیغِ قلم» (از جمله: قاهره ۷۹۶، لیدن ۸۴۰، واتیکان ۸۴۸، انستیتوی خاورشناسی مسکو ۸۴۹ (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: همان جا)، سلیمانیه (۸۴۳)، ص ۵۹۹ پی دی اف؛ ایصوفیه (۸۵۷)، ص ۵۴۹ پی دی اف؛ بادلیان (۸۹۹)، ص ۱۱۷۳ پی دی اف؛ و «تیغِ دو دم» (مونبخ (۹۰۲)، ص ۱۰۲۷ پی دی اف؛ پاریس (۹۷۴)، ص ۱۰۳۱ پی دی اف) است.

چاپ‌های شاهنامه نیز در این بیت صورت‌های «میخِ درم» (مول، ۲۳۷۴/۱۰۱/۷؛ بروخیم، ۲۷۰۴/۲۲۳۰ و کزازی نامه باستان، ۲۳۲۱/۱۰۹/۹)؛ «سیمین قلم» (کلالة خاور، ۱۷۹/۵/۴۳۸۵ و دبیرسیاقی، ۲۴۰۷/۲۷۰۷/۵)؛ «تیغِ قلم» (مسکو، ۱۲۹۳/۱۴۵/۹)؛ «تیغِ درم» (قریب-بهبودی، ۲۲۹۲/۹۸/۵؛ جیحونی، ۲۳۰۷/۲۰۶۷/۵)؛ ویرایش اول تصحیح خالقی مطلق، ۱۷۷/۸/۲۳۱۰ و ویرایش نهایی چاپ مسکو، ۱۱۹/۹/۲۲۹۶) و «تیغِ دژم» (ویرایش دوم تصحیح خالقی مطلق) را برگزیده‌اند. خالقی مطلق در توضیح این بیت نوشته است: «به گمان ما درستی تیغِ دژم حتمی است. همچنین تشبیه بینی به سیمین قلم و میخِ درم محتمل است ولی ما تشبیه آن را به تیغِ درم مشکوک دانستیم» (خالقی مطلق، ۱۳۹۱: بخش چهارم: ۱۰۷). با ضبط «تیغِ دژم»، کلمه «دژم» در قافیه‌های این بیت جناس تام دارد.



(تصویر ضبط «بینی چو تیغِ دژم» در نسخه محمد عاصم بی، ۸۹۹ ه.ق) (تصویر ضبط «بینی چو تیغِ دژم» در نسخه ایصوفیه، ۹۶۸ ه.ق)

۳. در منظومه یوسف و زلیخا- احتمالاً از آثار سده پنجم که در گذشته به نادرست به فردوسی نسبت داده می‌شد- در وصفِ زیباییِ زلیخا «پشتِ بینی او» به «تیغِ دژم» تشبیه شده که شاید متأثر از شاهنامه و شاهد بسیار مهمی برای کاربرد این تصویر و ترکیب است:

یکی بینی و همچو سیمین قلم ولی پشت او همچو تیغِ دژم^{۱۱}

در اینجا منظور از تشبیه «پشت بینی» به «تیغِ دژم» کشیدگی و راستی و تیزی تیغه استخوان بینی است.

۴. در شعر فارسی «بینی» به «تیغ» در معنای «شمشیر» تشبیه شده است و این خود قرینه‌ای برای درستی تصویر بیت مورد بحث است که مشبّه‌به «بینی» باید «تیغ: شمشیر» باشد:

تو گویی بینیش تیغی است از سیم که کرد آن تیغ سیبی را به دو نیم

(نظامی گنجوی، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

نقابِ برگِ نسرین، مُشکِ چینی ستونِ طاقِ ابرو تیغِ بینی

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ۴۹۷، ب ۵۸۰)

نکته و دشواری اصلی در ترکیب «تیغِ دژم»، توضیح صفت «دژم»، برای «تیغ» است. دیدیم که رواقی نوشته است «دژم» در معنای مشهور آن (اندوه‌گین، رنجور، آشفته، خشمناک) صفت مناسبی برای «تیغ» آن هم در جایگاه مشبّه‌به «بینی» نیست و این اشکالی است که احتمالاً برای بسیاری از کاتبان و خوانندگان شاهنامه، هم در گذشته پیش آمده است و هم شاید امروز مطرح بشود اما باید توجه کرد که اولاً واژه «دژم» در زبان و متون فارسی توسع معنایی دارد و در شواهد شعری صفت «آبگیر»، «ابر»، «خاک»، «زلف» و «زمین» نیز واقع شده (برای دیدن برخی شواهد، ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ۷، ذیل «دژم») و در شاهنامه حتی صفت «اسب» اسکندر است:

سکندر سواری به سان قلم سلیحی سبک بادپایایی دژم

۱۳ (۵۹۰/۲۸۸/۳)

ثانیاً- و مهم‌تر- اینکه «تیغ» همچون انسانی انگاشته و با یکی از صفات انسانی (دژم) توصیف شده باشد از ویژگی‌های سبکی و بلاغی شاهنامه است و فردوسی در موارد دیگر، صفات انسانی «جهان‌بخش»، «سرگرای» و «آهرمنی» را برای «تیغ» و «گرز» به کار برده^{۱۴} و «تیغ» را مانند انسان دارای «جان»، «دل» و «رخ» انگاشته است.^{۱۵} بنابر این می‌توان گفت که در اینجا نیز «تیغ» در قالب استعاره مکنیه (تشخیص) انسانی پنداشته شده است که «دژم: خشمگین» می‌شود و با این خشم دشمنان را نابود می‌کند و «دژم» بودن «تیغ»، چنان‌که خالقی مطلق در گزارش شاهنامه نوشته است، مجازاً یعنی «تیز و بُرنده بودن» آن، همچنان که مثلاً صفت «آهرمنی» برای «تیغ» مجازاً یعنی «هول‌انگیزی و کُشدگی». با این توضیح و تحلیل، فردوسی «بینی» رودابه را در کشیدگی و تیزی و راستی تیغه استخوان آن به «تیغِ دژم» به معنای «تیغِ تیز و بُرنده» تشبیه کرده و مشبّه‌به تصویر او خود استعاره مکنیه (تشخیص) است.

عین تصویر بیت مورد بحث در داستان زال و رودابه، در داستان جنگ هاماوران برای سودابه، دختر پادشاه هاماوران تکرار شده است:

دو یاقوت خندان دو نرگس دژم ستون دو ابرو چو سیمین قلم

(۱۲۱/۲۳۹/۱)

در مصراع دوم ضبطِ اغلبِ دست نویس‌های قدیم و جدید شاهنامه (از جمله: فلورانس (۶۱۴)، ص ۱۳۸ نسخه برگردان؛ لندن/ بریتانیا (۶۷۵)، برگ ۴۱ الف؛ سن ژوزف، ص ۱۱۲ نسخه برگردان؛ توپقاوسرای (۷۳۱)، ص ۸۳ پی‌دی‌اف؛ لنینگراد (۷۳۳)، ص ۶۱ پی‌دی‌اف؛ توپقاوسرای (۷۷۲)، ص ۳۸ تصویر؛ دهلی (۸۳۱)، ص ۶۱ تصویر؛ بایسنقری/ بایسنقری (۸۲۹-۸۳۳)، ص ۱۰۷ چاپ عکسی؛ نورعثمانیه (۸۳۴)، ص ۶۹ پی‌دی‌اف؛ لیدن (۸۴۰)، ص ۷۹ پی‌دی‌اف و...) «سیمین قلم» است و فقط در نسخه قاهره (۷۹۶ ه.ق) (ص ۴۵ پی‌دی‌اف) «تیغِ درم» نوشته شده است. در نسخ دیگر هم صورت‌های «سیمین قلم» (سعدلو) احتمالاً از سده هشتم، ص ۱۲۷ نسخه برگردان، «دو سیمین قلم» (بادلیان ۸۱۷-۸۳۸، ص ۱۶۱ پی‌دی‌اف)، «زَرین قلم» (سلیمانیه ۸۴۳، ص ۹۲ پی‌دی‌اف؛ بادلیان ۸۹۹، ص ۲۰۲ پی‌دی‌اف) و «سیمین درم» (کتابخانه ملی ۱۰۶۱، ص ۱۳۴ پی‌دی‌اف؛ دانشگاه میشیگان، بی‌تاریخ، ص ۱۵۱ پی‌دی‌اف) آمده است.

ستون دو ابرو جرتج دم

(تصویر ضبطِ «تیغِ درم» در نسخه قاهره، ۷۹۶ ه.ق)

همه چاپ‌های شاهنامه ضبطِ «سیمین قلم» را از اغلبِ نسخ انتخاب کرده‌اند و خالقی مطلق بر همین مبنا نوشته است: «نگارنده ... چون جز یک دست نویس که تیغِ درم دارد، همه دست نویس‌ها سیمین قلم را دارند، همین نویسش را در متن نگه داشت» (خالقی مطلق، ۱۳۹۵: ۱۷۳). به نظر مولایی هم چون «دلایل کافی برای دشوار بودن قرائت «تیغِ درم» در دست نیست» باید آن را «قرائتی مشکوک تلقی کرد» (مولایی، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

نگارنده معتقد است در بیتِ مربوط به سودابه نیز «تیغِ درم» در نسخه معتبر قاهره (۷۹۶) ضبطِ آشکارا دشوارتر است و یا باید براساس این نسخه و صورتِ «سیمین درم» در دو دست نویس متأخر، که جزء «درم» را دارند، و نیز گواهی‌های تشبیه «بینی» به «تیغِ درم» در سمک عیار، در این بیت همین ضبط را انتخاب کرد نه وجه ساده‌شده «سیمین قلم» را و یا اینکه براساس نگاشته «تیغِ درم» در دو بیت دیگر شاهنامه، که بحث شد، «تیغِ درم» نسخه قاهره (۷۹۶) را به «تیغِ درم» تصحیح قیاسی کرد و احتمال داد که کاتب این صورتِ غریب‌تر (تیغِ درم) را به «تیغِ درم» تغییر داده است.

۲-۲. «از آن گنبدِ سیم، سر بر زمین»

کنیزان رودابه نزد زال درباره زیبایی بانوی خود می‌گویند:

از آن گنبدِ سیم سر بر زمین فروهشته بر گل کمنبدِ کمین

(۴۵۵/۱۱۳/۱)

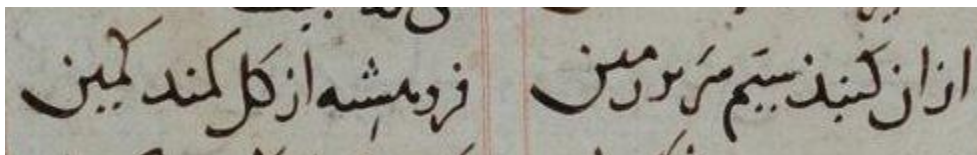
ضبطِ بخشِ آغازینِ مصراع اول در بیشتر نسخه‌های قدیم و جدید (مانند: فلورانس ۶۱۴، ص ۶۴ نسخه برگردان؛ لندن/ بریتانیا ۶۷۵، برگ ۲۱ الف؛ سن ژوزف (احتمالاً اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم)، ص ۵۲ نسخه برگردان؛ توپقاوسرای ۷۳۱، ص ۴۰ پی‌دی‌اف؛ توپقاوسرای ۷۷۲، ص ۱۷ تصویر؛ کاما (احتمالاً قرن هشتم)، ص ۱۷ تصویر؛ حاشیه ظفرنامه ۸۰۷، ج ۱، ص ۹۵؛ دهلی ۸۳۱، ص ۳۱ تصویر؛ نورعثمانیه ۸۳۴، ص ۳۵ پی‌دی‌اف؛ بادلیان ۸۱۷-۸۳۸، ص ۱۰۰ پی‌دی‌اف؛ لندن/

بریتانیا ۸۴۱، ص ۴۷۹ تصویر؛ سلیمانیه ۸۴۳، ص ۴۷، پی‌دی‌اف؛ پاریس ۸۴۴، ص ۸۱ پی‌دی‌اف؛ ایاصوفیه ۸۴۶، ص ۳۳ پی‌دی‌اف؛ واتیکان ۸۴۸، ص ۴۰ پی‌دی‌اف؛ ایاصوفیه ۸۵۷، ص ۳۶ پی‌دی‌اف؛ برلین ۸۹۴، ص ۵۱ پی‌دی‌اف؛ دانشگاه استانبول ۸۹۵، ص ۵۰ پی‌دی‌اف؛ بادلیان ۸۹۹، ص ۱۰۴ پی‌دی‌اف؛ محمد عاصم بی ۸۹۹، ص ۴۶، پی‌دی‌اف؛ مونیخ ۹۰۲، ص ۷۶ پی‌دی‌اف و ... «از آن گنبد سیم» است اما در دست‌نویس لنینگراد (۷۳۳) (ص ۲۸ پی‌دی‌اف) به جای آن «بر آن» (بر آن گنبد سیم) و در نسخه‌های لیدن (۸۴۰) (ص ۴۳ پی‌دی‌اف)، پاریس (۸۴۸) (ص ۸۵ پی‌دی‌اف)، برلین (۱۰۰۲) (ص ۱۲۲ پی‌دی‌اف)، سلیمانیه (۱۰۸۰) (ص ۲۷ پی‌دی‌اف)، دانشگاه هاروارد (بی‌تاریخ) (ص ۷۰ پی‌دی‌اف)، مجلس (بی‌تاریخ، شماره ۱۵۲۳۵) (ص ۵۲ پی‌دی‌اف) و مجلس (بی‌تاریخ، شماره ۶۱۸۶۲) (ص ۴۵ پی‌دی‌اف) «بدان» (بدان گنبد سیم) آمده‌است.

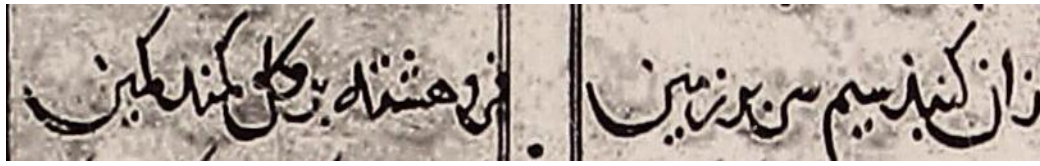
در مصراع دوم نیز بازنگاشته اکثر نسخ «بر گل» (فروهشته بر گل) است^{۱۶} ولی در نسخه‌های فلورانس (۶۱۴) (ص ۶۴ نسخه‌برگردان)، لنینگراد (۷۳۳) (ص ۲۸ پی‌دی‌اف)، توپقاپوسرای (۷۷۲) (ص ۱۷ تصویر)، سلیمانیه (۱۰۸۰) (ص ۲۷ پی‌دی‌اف)، مونیخ (۹۰۲) (ص ۷۶ پی‌دی‌اف)، پاریس (۱۱۲۲) (ص ۱۱۸ پی‌دی‌اف) و پاریس (بی‌تاریخ، شماره Smith-Lesouef، ۲۲۲، ص ۱۱۶ پی‌دی‌اف) «از گل» (فروهشته از گل) نوشته شده‌است. در چند دست‌نویس^{۱۷} دیگر نیز به جای «بر گل» و «از گل» صورت‌های: «باز از» (قاهره ۷۹۶، ص ۲۲ پی‌دی‌اف)، «تا پا» (سلیمانیه ۸۴۳، ص ۴۷ پی‌دی‌اف؛ بادلیان ۸۹۹، ص ۱۰۴ پی‌دی‌اف)، «بازان» (لندن/ بریتانیا ۸۴۱، ص ۴۷۹ تصویر) و «با گل» (ایاصوفیه ۹۶۸، ص ۴۲ پی‌دی‌اف) دیده می‌شود.

ضبط کلمه پایانی مصراع دوم (کمین) هم در نسخه‌های لنینگراد (۷۳۳) (ص ۲۸ پی‌دی‌اف)، توپقاپوسرای (۷۷۲) (ص ۱۷ تصویر)، حاشیه ظفرنامه (۸۰۷) (ج ۱، ص ۹۵)، بادلیان (۸۱۷-۸۳۸) (ص ۱۰۰ پی‌دی‌اف)، بادلیان (۸۵۲) (ص ۸۵ پی‌دی‌اف)، ایاصوفیه (۸۶۱) (ص ۳۷ پی‌دی‌اف)، دانشگاه استانبول (۸۹۵) (ص ۵۰ پی‌دی‌اف)، چستریتی (۹۰۵) (ص ۷۴ پی‌دی‌اف)، پاریس (۱۲۲۲) (ص ۲۹۴ پی‌دی‌اف) و سعدلو (ص ۶۱ نسخه‌برگردان) «گزین» (کمند گزین)، در دو نسخه برلین (۸۹۴) (ص ۵۱ پی‌دی‌اف) و بادلیان (۹۵۹) (ص ۱۰۴ پی‌دی‌اف) «کمند و کمین» و در پاریس (۸۴۴) (ص ۸۱ پی‌دی‌اف) «کمند از کمین» است.

در برخی نسخه‌ها (از جمله: حاشیه ظفرنامه ۸۰۷، ج ۱، ص ۹۵؛ بادلیان ۸۵۲، ص ۸۵ پی‌دی‌اف؛ ایاصوفیه ۸۶۱، ص ۳۷ پی‌دی‌اف؛ پاریس ۹۰۵، ص ۷۹ پی‌دی‌اف؛ ایاصوفیه ۹۶۸، ص ۴۲ پی‌دی‌اف؛ سعدلو، ص ۶۱ نسخه‌برگردان و ...) مصراع نخست به صورت «از آن گنبد سیم سرو زمین» و در دست‌نوشته‌های دیگر به گونه «از آن گنبد سیم سر تا زمین» (قاهره ۷۹۶، ص ۲۲ پی‌دی‌اف؛ سلیمانیه ۸۴۳، ص ۴۷ پی‌دی‌اف؛ بادلیان ۸۹۹، ص ۱۰۴ پی‌دی‌اف)، «از آن گنبد سیم زر بر زمین» (دانشگاه مسکو ۱۰۴۲، ص ۶۰ پی‌دی‌اف) و «از آن گنبد سیمت بر زمین» (کتابخانه ملی ۱۰۶۱، ص ۷۷ پی‌دی‌اف؛ دانشگاه میشیگان، بی‌تاریخ، ص ۷۲ پی‌دی‌اف) درآمده‌است. در نسخه بایسنقری/ بایسنقری (۸۲۹-) (ص ۶۱ چاپ عکسی) نیز ضبط بیت کاملاً تغییر یافته و «از آن گنبد سیم آن سرو ناز/ فروهشته بر گل کمند دراز» شده‌است.



(تصویر ضبط بیت در نسخه فلورانس، ۶۱۴ ه.ق.)



(تصویر ضبط بیت در نسخه سن ژوزف)



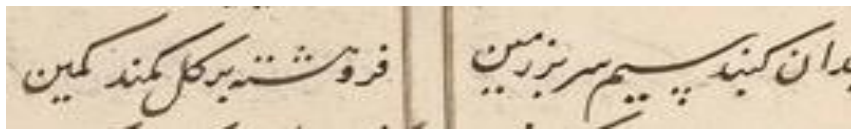
(تصویر ضبط بیت در نسخه لنینگراد، ۷۳۳ ه.ق)



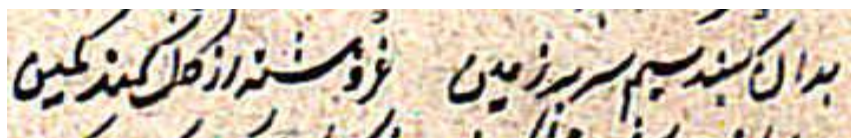
(تصویر ضبط بیت در نسخه کاما، احتمالاً از قرن هشتم)



(تصویر ضبط بیت در نسخه لیدن، ۸۴۰ ه.ق)



(تصویر ضبط بیت در نسخه پاریس، ۸۴۸ ه.ق)



(تصویر ضبط بیت در نسخه سلیمانیه، ۱۰۸۰ ه.ق)

در چاپ‌های شاهنامه بیت با این ضبط‌ها و خوانش‌ها آمده‌است:

۱. «از آن گنبد سیم سر بر زمین/ فروشته بر گل کمند کمین» (بدون هیچ حرکت‌گذاری): مکان (ج ۱، ص ۱۱۸)، مول (۱/ ۵۷۴/۱۳۰)، ووللرس/ فوللرس (۱/ ۱۶۰/۵۷۴)، کلاله خاور (۱/ ۱۲۹/۳۱۳۷)، بروخیم (۱/ ۱۵۴/۵۷۴) و بهفر (۲/ ۱۳۷/۴۹۷).
۲. «از آن گنبد سیم، سر بر زمین/ فروشته بر گل کمند کمین» (با حرکت‌گذاری): دبیرسیاقی (۱/ ۱۷۱/۶۰۸) و کزازی (نامه باستان، ۱/ ۱۳۲/۲۵۹۶).^{۱۷}
۳. «از آن گنبد سیم سر بر زمین/ فروشته بر گل کمند از کمین» (بدون حرکت‌گذاری): مسکو (۱/ ۱۶۷/۴۸۵)، ویرایش دوم چاپ مسکو (ص ۱۷۷، ب ۴۹۱)، قریب- بهبودی (۱/ ۱۲۸/۴۸۶)، جیحونی (۱/ ۱۳۷/۴۶۲)، قریب (۱/ ۹۲/۴۸۷) و ویرایش نهایی چاپ مسکو (۱/ ۱۵۳/۴۹۲).

۴. «از آن گنبد سیم بر بر زمین/ فروهشته بر گِلِ کمندِ کمین» (با حرکت‌گذاری «گِل»): هر دو ویرایش تصحیح خالقی مطلق. آقای جنیدی که بیت را با ضبط «از آن گنبد سیم سر بر زمین/ فروهشته از گل کمند کمین» الحاقی پنداشته‌اند، درباره آن نوشته‌اند: «سخت پر گره می‌نماید، از کدام گنبد سخن می‌رود؟ از سر او؟ که زر [کذا. ظاهراً: از] زیر گیسوانش دیده نمی‌شود، کمند از کمین چگونه باشد؟ روی رودابه که آشکار است و در کمین نیست» (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۹۰/ زیرنویس ۸). ضبط و خوانش بیت «پُر گره» است ولی هم بیت اصلی و از خود فردوسی است و هم خواهیم دید که می‌توان درباره دشواری‌های آن بحث کرد و توضیحاتی داد.

نخستین مباحث درباره این بیت بین رواقی و خالقی مطلق در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ آغاز شده‌است. رواقی در نقد دفتر یکم شاهنامه تصحیح خالقی مطلق، بر قرائت «گِل» به کسره در متن ایشان ایراد گرفته و نوشته‌است: «ویرایشگر واژه گُل را که از روی مجاز به معنی صورت است گِل (به کسر اول) خوانده‌است. چنین به نظر می‌رسد که ... از واژه «گِل» تصوّر زمین و خاک را دارد، از این روی ... اندیشیده‌است که موی بلند پیچیده‌اش به زمین افتاده‌است» (رواقی، ۱۳۶۸ الف: ۱۹). خالقی مطلق در پاسخ نوشته‌است: «گنبد سیم کنایه از سرین است و شاید چنان‌که ایشان معتقدند پُر گِل درست باشد. بنده در این بیت اشکال داشته و دارم ولی آن معنی را که به نظر من نزدیکتر آمد برگزیدم» (خالقی مطلق، ۱۳۶۹: ۳۷). رواقی در پاسخ خالقی مطلق، باز به این بیت پرداخته و این توضیح را آورده‌است: «گنبد سیم در اینجا کنایه از صورت و روی سیمگون و سپید رودابه است و هیچ پیوندی با سرین ندارد و اگر می‌داشت شگفت بود و روشن نیست که آقای دکتر خالقی برای کمند کمین چه معنایی پیشنهاد می‌کند» (رواقی، ۱۳۶۹: ۳۴).^{۱۸}

خالقی مطلق چند سال پس از این مباحثه، در یادداشت‌های شاهنامه بیت را چنین توضیح داده‌است: «گنبد سیم را به دو گونه می‌توان برداشت. یکی کنایه از «بام کاخ» ولی این برداشت دور از ذهن می‌نماید. دیگر جایی از اندام رودابه. رخسار او نمی‌تواند باشد چون گونه را به سیم تشبیه نمی‌کنند مگر گونه مات و رنگ پریده را. پس باید جای دیگر تن او باشد، سرین یا شانه او، شانه محتمل‌تر است چون در بیت ۲۸۹ نیز سُفت سیمین گفته‌است و در اینجا برآمدگی شانه را به «گنبد سیمین» مانند کرده‌است. کمند کمین: کنایه از گیسوی بلند و تابدار است ولی نگارنده برای آن گواهی دیگر ندارد. می‌گوید: گیسوی بلند رودابه از شانه سفید او تا به روی زمین (گِل) می‌رسید» (خالقی مطلق، ۱۳۹۱: بخش یکم: ۲۳۱).

یکی از محققان با استعاره گرفتن «گنبد سیم» برای «اندام سفید رودابه»، «گُل» برای «چهره» و ضبط «کمند از کمین» به معنای «کمند کمین»، این گزارش را برای بیت پیشنهاد کرده‌اند: «گاهی از بالای تن سپیدش - درحالی‌که سرش از حیا بر زمین است - موهای مجعدش را به چهره می‌افکند (علاوه بر توصیف زیبایی‌اش وصفی هم از حیا و شرم وی کرده‌است)» (دالوند، ۱۳۹۷: ۱۸۵-۱۸۷). پژوهشگری دیگر «کمین» را در «کمند کمین» به معنای «تور دام‌مانندی که رشته‌های مروارید و جواهر در آن بافته می‌شده و در داخل موها گره می‌خورده‌است» گرفته و بیت را چنین معنا کرده‌اند: «گیسوی رودابه از تور دام‌مانندی که بر سر رودابه بود همچون کمندی بر گل چهره‌اش آویخته بود و از فراز چهره سیمینش بر زمین می‌رسید (که البته گنبد سیم استعاره از قامت درشت رودابه هم هست)» (آقابابایی، ۱۳۹۹: ۱۶۰).

از شارحان شاهنامه، جوینی پس از اشاره به بحث رواقی و خالقی مطلق، نوشته‌است: «بنده با نظر دکتر رواقی که «گِل» را به ضمّ کاف می‌خواند موافق منتهی می‌گویم که باید در این بیت کلمات «گنبد سیم سر» را بر هم اضافه کنیم تا به معنی «گنبد سیمین سر» و همه بشره سر و صورت باشد که به نقره تشبیه شده ... کمند کمین یعنی کمندی که برای کمین کردن به کار می‌رود. گوید: آن دختر از سر خود که چون گنبدی از نقره می‌باشد بر روی چهره‌اش به سوی زمین زلف چون کمندش را آویخته و پریشان کرده‌است»

(فردوسی، ۱۳۷۷: ۵۰). کزازی نیز «گنبد سیم» را استعاره از «سر» و «گل» و «کمند کمین» را «رخسار» و «گیسو» گرفته است (کزازی، ۱۳۹۴: ۵۲۲). توفیق سبحانی (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۵: ۱/۱۲۶) و دبیرسیاقی (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: ج ۱/۱۷۱)، «گنبد سیم» را «اندام بلند و لطیف و سپید» معنا کرده‌اند. برگ‌نیزی بیت را چنین توضیح داده است: «گنبد سیم: کنایه از سرین سفید، سر بر زمین: تا زمین رسیده، بر گل: با گل، آراسته به گل. وصف سر گیسوی رودابه است. کمند کمین: گیسوی حلقه حلقه و تابدار. معنای بیت: کمند گیسوی تابدارش چنان بلند است که از سرین سفید او پایین می‌رود و سر آراسته به گل آن (گیسو) تا زمین فروآویخته است» (فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۱/۳۰۰). بهفر «گنبد سیم» را استعاره از «سرین سپید»، «گل» را استعاره از «چهره» و «کمین» را «مجازاً پر پیچ و خم، خم اندر خم» گرفته و این معنا را برای بیت نوشته است: «کمند گیسوان پر پیچ و تابش را [که] از سرین سپیدش تا پایین آمده بر [دو سوی] چهره باز و رها کرده است» (فردوسی، ۱۳۹۱ الف: ۲/۱۳۸). خالقی مطلق نیز در گزارش شاهنامه همچون یادداشت‌های شاهنامه «گنبد سیم» را «کنایه از شانه گوش‌تالوی سفید» و «کمند کمین» را «کنایه از گیسوی بلند تابدار (که جای ربودن دل‌هاست) گرفته و همان معنای نوشته‌شده در یادداشت‌های شاهنامه را برای بیت بازآورده است (ر.ک: خالقی مطلق، ۱۴۰۳: بخش یکم، بهره یکم: ۳۳۵). کاویانی نیز مانند خالقی مطلق «گنبد سیم» را «شانه سفید» معنا کرده است (ر.ک: کاویانی، ۱۳۹۳: ۱۳۵). یادآور می‌شود که پیش از شارحان شاهنامه، رستگار فسایی نیز «گنبد سیم» را استعاره از «پیکر و تن» دانسته است (ر.ک: رستگار فسایی، ۱۳۶۹: ۱۶۹).

ملاحظه می‌شود که در بیت مورد بررسی، «گنبد سیم» استعاره از «سرین»، «چهره»، «شانه»، «سر» و «اندام سفید» رودابه دانسته شده است. «گل» با خوانش مضموم (گل) استعاره از «رخسار» یا «آراسته به گل و صفت زلف» گرفته شده و «گل» به معنای «خاک/ زمین» نیز خوانده شده است. «کمند کمین» را هم «کمند ویژه کمین کردن»، «کمند پر پیچ و خم» و «تور مرصع مخصوص مو» معنا کرده‌اند. پیداست که با این تعدد خوانش‌ها و معانی، گزارش بیت نیز متفاوت و چندگانه شده است/ می‌شود و حتماً باعث سر درگمی شماری از دانشجویان و شاهنامه‌خوانان خواهد بود.

در شعر فارسی ترکیب/ تصویر «گنبد سیم» چند بار به استعاره از «زیارو» یا مشبّه‌به آن به کار رفته است. برای نمونه:

تورا ماند به مهر ای گنبد سیم تو گویی کرده شد سیمی به دو نیم

(اسعد گرگانی، ۱۳۸۶: ۱۰۸، ب ۸۱)

سیم در پای سیم ساق کشید گنبد سیم را به سیم خرید

(نظامی گنجوی، ۱۳۸۷: ۶۴۰)

به سان یکی گنبد از سیم خام درفشان رخس همچو ماه تمام

(یوسف وزلیخا، ۱۳۴۴ ه.ق: ۱۴۹؛ همان، ۱۳۹۵: ۳۲۶، ب ۲۸۰۷)

اما در بیت مورد بحث نمی‌توان آن را استعاره از «رودابه» گرفت چون حرف اضافه پیش از آن (از آن گنبد سیم/ بر/ بدان گنبد سیم) نشان می‌دهد که منظور از «گنبد سیم» بخشی/ اندامی از وجود رودابه است نه کلیت او. اگر «گنبد سیم» را استعاره از «اندام سپید» رودابه بگیریم و در مصراع دوم نیز «گل» را به ضمّه بخوانیم با ضبط متداول بیت در اغلب نسخ، که آغاز مصراع «از آن گنبد سیم» و در مصراع دوم «فروهشته بر گل» است، نظم معنایی بیت درست نخواهد بود زیرا گزارش بیت چنین می‌شود که موهای بلند چون کمند رودابه از اندام سفید او بر چهره گل مانندش ریخته و افشان شده بود. درحالی که برعکس این موضوع درست است و مو از چهره (از گل) بر اندام (بر گنبد سیم) ریخته و آویخته می‌شود. افزون بر این «گنبد» به دلیل «گرد» بودن آن تصویر مناسبی برای

«اندامِ راست و افراشته» نیست. «گنبد سیم» را اگر استعاره از «صورت» بگیریم و در مصراع دوم «بر گُل» بخوانیم، به سبب تکرار «چهره» با دو استعاره در دو مصراع باز معنای بیت درست و دقیق نخواهد بود چون معنا چنین می شود: گیسوی کمندآسای رودابه از چهره‌اش بر صورتش آویزان شده بود (۴). با اینکه تشبیه «سر» به «گنبد» گواهی‌هایی در ادب فارسی دارد^{۱۹} و اگر «گنبد سیم» استعاره از «سر» باشد ترتیب معنایی بیت نیز با ضبط متداول آن و خوانش «گُل» درست خواهد بود (زلفِ بلندِ رودابه از سرِ او بر گُلِ رخسارش افشان شده بود)، به نظر نگارنده این برداشت نیز چندان محتمل نیست زیرا «سر» رودابه را با آن گیسوانِ بلند «سیاه» نمی توان «گنبد سیم» نامید که مضاف‌الیه «سیم» در آن بر رنگ روشن و نقره‌ای دلالت دارد. ضمن اینکه در متون داستانی معمولاً «سر» بزرگ و زشت نیروهای اهریمنی (دیو، زنگی و عفریت) به «گنبد» تشبیه می‌شود^{۲۰} و از این منظر نیز «گنبد سیم» تصویر مناسبی برای «سر» رودابه خوب‌روی و نازک‌اندام نیست.

رایج‌ترین کاربرد تصویر «گنبد سیم/سیمین» در شعر فارسی از دوره فردوسی تا عصر قاجار برای «سُرین سفید» است. برای نمونه:

فرارِ گنبدِ سیمینش بنشینم به کام دل ز زَر و سیمِ گنبد را به کام او دهم غلّه

(عسجدی مروزی، ۱۳۹۴: ۱۰۴)

چون ساق و سُرین تو نه کس دید و نه بیند برداشته دو گنبد سیمین به دو عرعر

(لامعی گرگانی، ۱۳۵۵: ۲۹)

دامن از ساق بلورین به گریبان برچین نیفه از گنبد سیمین به سوی مانچه برآ

(سوزنی سمرقندی، ۱۳۳۸: ۴۸)

گرچه ز میانست به ستوه است کمر زان گنبد سیمین به شکوه است کمر

(ابوالفضل تبریزی در: خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۴۱۳)

«گاه گرد گنبد سیمین در طواف باش و گاه در بحرِ قصرِ سُرین غواصی کن» (سعدی، ۱۳۸۵: ۹۹۱).

«کسی که مست و مدهوش با گنبد سیمین، شب در وثاق چون تو ... جای کند» (یغمای جندقی، ۱۳۶۲: ۲/۲۳۵).

وجه شبّه «گنبد» و «سُرین»، «گردی و برجستگی» است و به همین دلیل بیدل نیز تعبیر «گنبدین» را برای «سُرین» آورده^{۲۱} و

در بعضی فرهنگ‌ها «گنبد» کنایه از «سُرین» نوشته شده است (ر.ک: رامپوری، ۱۳۶۳: ۷۴۲).

براساس این شواهد محتمل‌تر این است که بگوییم فردوسی نیز با بیان آرمگین و حُسنِ تعبیر (به‌گویی) «گنبد سیم» را شاید به استعاره از «سُرین سپید و برجسته» رودابه به‌کار برده است. اگر این برداشت درست باشد برای اینکه ترتیب معنایی بیت درست باشد همچون مواردی که بالاتر اشاره شد نمی‌توان در مصراع دوم «گُل» را به ضمّه خواند و استعاره از «چهره» گرفت چون زلف از «سُرین» بر «صورت» نمی‌ریزد و برعکس از «صورت» بر «سُرین» افشان می‌شود. از این روی اگر وجه اصلی بیت را بر پایه ضبط بیشترین نسخه‌ها یعنی «از آن گنبد سیم، سر بر زمین/ فروهشته بر گل کمند کمین» بپذیریم، باید در مصراع دوم همچون خالقی مطلق «گِل» (gel) را به کسر «گ» بخوانیم و «خاک/ زمین» معنا کنیم تا گزارش بیت درست و دقیق باشد.

در این ضبط، «سر بر زمین» صفت «زلفِ درازِ رودابه/ کمند کمین» و به معنای «چیزی است که سر آن به سوی پایین است و به زمین می‌رسد» و «کمند کمین» به استعاره از «گیسوی رودابه» یعنی «کمندی که از کمینگاه بر دشمن می‌افکنده‌اند». در شاهنامه و متون دیگر چند بار به «کمند گشودن» از «کمین» اشاره شده و ترکیب «کمند کمین» بر همین مبنا در بیت مورد بحث به‌کار رفته است. این شواهد را ببینید:

گذرشان دهی تا به توران شوند	کمین را نسازی بر ایشان کمند
کُشد مخالف را و کُشد معادی را	خدنگ او از کمان و کمند او از کمین
ز گردان به خم کمند از کمین	به هر حمله دو دوربودی ز زمین
کمند از کمین بست راه نَفَس	به مرگ یلان ناله کردی جرس

(شاهنامه، ۱۱۷۹/۷۳۷/۲)

(فَرّخی، ۱۳۸۵: ۲۹۳)

(اسدی، ۱۳۱۶: ۲۵۴، ب ۱۰۰)

(مختاری، ۱۳۹۷: ۴۸۴، ب ۵۹۹۵)

همان‌گونه که از «کمین» بر دشمنان «کمند» می‌انداختند و آن‌ها را می‌گرفتند، موی بلند رودابه نیز مانند «کمند» بر مردان «کمین» می‌گشاید و دل آن‌ها را ناگهان به بند می‌کشد و گرفتار می‌کند.

این تصویر که زلف چون کمند زیبارویان از درازی به زمین می‌رسد و روی آن کشیده می‌شود از تعبیر و صور خیالی ادبِ غنایی فارسی است^{۲۲} و با استعاره گرفتن «گنبد سیم» برای «سُری» و قرائت «گل» به معنای «خاک/ روی زمین» در بیت شاهنامه نیز همین تصویر مورد نظر است و زلف بلند رودابه از سر و سُری او پایین می‌آید و به روی زمین می‌رسد. با خوانش «گل» و به قرینه ترکیب اضافی «کمند کمین» توضیح دیگری نیز می‌توان در تفسیر بیت افزود و آن اینکه یکی از شیوه‌های نبرد، به‌ویژه در میان عیاران، این بود که «کمند» را زیر «خاک» پنهان می‌کردند تا حریف آن را نبیند و هنگامی که به وسط آن می‌رسید کمند را می‌کشیدند و شخص را می‌گرفتند. برای نمونه: «شاه ساعتی صبر کرد تا ملاً برگشت دید کوله‌بار گرانی در دوش دارد. کمند را بر دم راه او دفن کرد. چون ملاً خوب در میان کمند رسید که شاه صدای تَره شیری کرد. ملاً برگشت که بیند کیست شاه فروکشید از مغز بر زمین آمد» (قصه حسین کرد شبستری، ۱۳۸۵: ۲۳۹ و ۲۴۰). بر این اساس در برداشتی دیگر، گیسوی بلند رودابه که از «سُری» «بر گل فروهشته»، انگار همچون کمندی زیر «گل/ خاک» نهان شده و در کمین مردان است تا آن‌ها را بگیرد.

با این توضیحات به نظر نگارنده اگر بیت مورد بحث را به استناد ضبط اکثر دست‌نویس‌ها تصحیح کنیم، خوانش آن همچون هر دو ویرایش تصحیح خالقی مطلق، «از آن گنبد سیم، سر بر زمین/ فروهشته بر گل کمند کمین» خواهد بود و معنای آن این است: رودابه زلف بلند خود را که همچون کمندی است که بر مردان کمین می‌گشاید از سُری سفید و برجسته خود به سوی خاک زمین آویخته و افشان کرده است (مویس چنان بلند است که از پشت سرش به سُریش آویخته و ریخته است و از آنجا نیز سر به پایین دارد و به زمین می‌رسد).

اما اگر بخواهیم «گل» را در مصراع دوم به ضم «گ» بخوانیم و استعاره از «چهره زیبای رودابه» بگیریم، منظم‌ترین و منطقی‌ترین صورت معنایی، دستوری و تصویری بیت در ضبط نسخه لنینگراد (۷۳۳ ه.ق) - با تصحیح «کمند گزین» به «کمند کمین» - و نیز دست‌نویس متأخر سلیمانیه (۱۰۸۰ ه.ق) است. یعنی:

بر آن / بدان گنبد سیم، سر بر زمین فروهشته از گل کمند کمین

چنان‌که در بررسی ضبط نسخ دیدیم وجه «بدان» در آغاز مصراع (به جای «از آن») و «از گل» (به جای «بر گل») در چند دست‌نوشته قدیم و جدید دیگر هم تأیید می‌شود. معنای این ضبط نیز چنین است: رودابه گیسوی کمندآسای خود را از صورت همچون گُلش بر سُریش آویخته است.

چون این صورت در مقایسه با ضبط رایج، از نظر معنایی و تحلیل دستوری آسان‌تر است نگارنده به احتمال قریب به یقین همان نویسنش دشوارتر و پیچیده‌تر اغلب نسخه را با خوانش و گزارشی که آمد، ضبط درست و نهایی بیت می‌داند و احتمال می‌دهد که این ضبط دیگر حاصل دستبرد بعضی کاتبان برای ساده‌تر و روشن‌تر کردن ساختار معنایی، نحوی و بلاغی بیت باشد.

۳. نتیجه

براساس آنچه گفته شد، در بیت: «دو نرگس دژم و دو ابرو به خم / ستون دو ابرو چو تیغ دژم»، ضبط «تیغ دژم» در نسخه‌هایی مانند: قاهره (۷۹۶ ه.ق)، حاشیه ظفرنامه (۸۰۷ ه.ق)، دهلی (۸۳۱ ه.ق)، نورعثمانیه (۸۳۴ ه.ق)، بادلیان (۸۱۷-۸۳۸ ه.ق)، واتیکان (۸۴۸ ه.ق)، بادلیان (۸۵۲ ه.ق) و چهار دست‌نویس دیگر، صورت دشوارتر و به استناد قاعده «برتری ضبط دشوارتر» و نیز بر پایه قرآینی دیگر به احتمال فراوان وجه درست و اصلی است که در یک بیت دیگر شاهنامه، قطعاً و در بیتی دیگر احتمالاً باز به کار رفته است. در بیت: «از آن گنبد سیم، سر بر زمین / فروهسته بر گل کمند کمین»، با این خوانش حرکت‌گذاری شده، «گنبد سیم» استعاره از «سُرین رودابه»، «گل» به معنای «خاک/ زمین» و «کمند کمین» استعاره از «زلف بلند رودابه» است و «فروهسته» و «سر بر زمین» نیز وصف «کمند کمین» است و فردوسی گفته: رودابه گیسوی دراز خود را که مانند کمندی است که بر مردان کمین می‌گشاید، از سُرین خویش به سوی زمین آویزان و افشان کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اشارتی در این باره، ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (بر پایه چاپ مسکو)، شرح مه‌ری بهفر، تهران: هیرمند ۱۳۸۰، ج ۱، صص هشت- ده پیشگفتار.
 ۲. نخستین چاپ متن کامل شاهنامه در سال ۱۸۲۹ م به کوشش تُرنر مکان منتشر شده است.
 ۳. منظور نامه باستان، تألیف میرجلال‌الدین کزازی (تهران، سمت، ۹ ج، ۱۳۷۹-۱۳۸۷) و یادداشت‌های شاهنامه جلال خالقی مطلق با همکاری محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی (نیویورک، بنیاد میراث ایران، بخش یکم، ۱۳۸۰؛ بخش دوم، ۲۰۰۶ م؛ بخش سوم و چهارم، ۲۰۰۹ م؛ تجدید چاپ در ایران: تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹) است.
 ۴. یکی، تصحیح و شرح شاهنامه به کوشش مه‌ری بهفر که دفتر یکم آن را نشر نو در سال ۱۳۹۱ منتشر کرده و تا هنگام نگارش این سطور، هشت دفتر از آن چاپ شده است و دیگر، گزارش شاهنامه جلال خالقی مطلق که دو جلد آن در سال ۱۴۰۳ از سوی نشر سخن منتشر شده و دو جلد دیگر زیر چاپ است.
 ۵. نخستین نوشته مهم درباره متن شناسی شاهنامه، مقاله- یا به تعبیر دقیق‌تر: رساله- دوبخشی فریدریش روکرت آلمانی در نقد شاهنامه تصحیح ژول مول است که در سال ۱۸۵۴ و ۱۸۵۶ م در مجله ZDMG مجموعاً در ۲۴۵ صفحه به زبان آلمانی چاپ شده است. نام و مشخصات این مقاله چنین است:
- Rückert, Friedrich, «Bemerkungen zu Mohl's Ausgabe des Firdusi», Band 1, ZDMG, 8 (1854), pp. 239- 329, 10 (1856), pp. 127- 282.
۶. ارجاع بیت‌ها به ویرایش دوم شاهنامه تصحیح جلال خالقی مطلق (چاپ چهارجلدی انتشارات سخن) است.
 ۷. با ضبط «دو بینی» به جای «دو ابرو».

۸. آنچه می‌تواند این احتمال را تا حدودی تأیید کند این است که در شاهنامه «دینارگان» به معنای مجازی «زرد»، صفت «تیغ» قرار گرفته است: «بدو گفت کز مرد بازارگان/ بیابی کنون تیغ دینارگان» (۳/۱۲۶/۶۵۳). به این قیاس «تیغِ درم» هم می‌تواند به معنای «شمشیر از جنس درم» و مجازاً «شمشیرِ نقره‌ای» باشد.

۹. ده انگشت بر سان سیمین قلم بر او کرده از غالیه سد رقم

(۴۵۸/۱۱۳/۱)

۱۰. «تیغِ درم» چنان‌که رواقی نشان داده است در سمک عیار نیز مشبّه به «بینی» است. در این بیت از توصیف دختر کید هندی در بخش اسکندر شاهنامه هم: «دو ابرو کمان و دو نرگس دژم/ سر زلفکان تاب داده به خم» (۳/۲۷۸/۳۴۵)، ضبط مصراع دوم در نسخه کراچی (۷۵۲ ه.ق) «ستون دو بینی چو تیغِ درم» است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۶/۲۸/ زیرنویس ۲).

۱۱. در چاپ سنگی منظومه یوسف و زلیخا (بمبئی، ۱۳۴۴ ه.ق، ص ۱۷۱) و چاپ دوم تنها متن مصحح آن (تهران، تک‌درخت ۱۳۹۵، ص ۳۶۲، ب ۳۲۰۴) ضبط ترکیب «تیغِ دژم» است ولی در چاپ اول متنِ حروفی/ تصحیح‌شده (تهران، آفرینش ۱۳۶۹، ص ۱۶۵، ب ۳۰۸۱) «تیغِ دو دم» آمده است. به گزارش مصحح، «تیغِ دژم» در نسخه کتابخانه مجلس (بی‌تاریخ)، چاپ سنگی بمبئی و چاپ هرمان اته دیده می‌شود و دو دست‌نویس دانشگاه تهران (۱۲۰۷ ه.ق) و کتابخانه ملی (۱۳۴۲ ه.ق) «تیغِ دو دم» دارند که آشکارا نگاشته ساده‌شده و تغییر یافته است. نگارنده به همه نسخه‌های منظومه یوسف و زلیخا دسترس ندارد تا ضبط آن‌ها را در این بیت بررسی بکند.

۱۲. این تصویر که «تیغِ بینی» را «ستونِ دو ابرو» دانسته مشابه تصویر مصراع شاهنامه است که در آن «بینی همچون تیغ» «ستونِ دو ابرو» است.

۱۳. رواقی در فرهنگ شاهنامه «دژم» را در این بیت «نیرومند، پرتوان، قوی» معنا کرده است. ر.ک: رواقی، ۱۳۹۰: ۱/۱۰۳۰.

۱۴. مانند:

همی رخس را کرد بایدت زین بخواهی به تیغ جهان‌بخش کین

(۲۳۸/۲۰۸/۱)

چو من گرزّه سرگرای آورم سران را همه زیر پای آورم

(۲۷۷/۴۳۴/۱)

به دست چپش نامدار ارمنی ابا جوشن و تیغِ آهرمنی

(۱۷۷۶/۹۴۸/۴)

۱۵. مانند:

پراز ناله کوس شد مغز میغ پراز آب شنگرف شد جان تیغ

(۲۰۱/۱۶۷/۱)

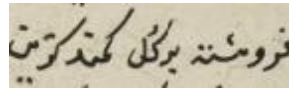
دل تیغ گفتمی بیالد همی زمین زیر اسپان بنالد همی

(۲۷۳/۱۶۹/۱)

که گر نام مردی بجویی همی رخ تیغ هندی بشویی همی

(۲/۲۵۳/۱)

۱۶. در نسخه پاریس (۹۰۵ ه.ق) (ص ۷۹ پی دی اف) روی حرفِ نخستِ «گل» حرکت ضمّه گذاشته شده است:



۱۷. برگ نیسی (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶ الف: ۱/۳۰۰/۲۶۰۳) نیز این گونه خوانده و حرکت گذاری کرده است.

۱۸. رواقی در فرهنگ شاهنامه خویش «گنبد سیم» را در بیت مورد بحث چنین معنا کرده اند: «بیشتر به معنی سر و روی (در شاهنامه) و گاه پیکر و تن و روشن و نقره گون» (رواقی، ۱۳۹۰: ۱۹۲۸/۲).

۱۹. برای نمونه:

درون گنبدِ سر راز گوید به گنبد آنچه گوید باز گوید

(زلالی خوانساری، ۱۳۸۴: ۷۸۰)

درون گنبدِ سر گفت و گو بود ز من واگفتن اما گفت از او بود

(همان، ص ۸۶۲)

۲۰. برای نمونه:

ورا شیردم نام کرده پدر که دزد جگرگاه شیران نر

ز رستم فزون تر بود پیکرش منارش بود قد چو گنبد سرش

(زرّین قبانامه ۱۳۹۳: ۳۶۴، ب ۳۷۳۸ و ۳۷۳۹)

نیز، ر.ک: طرطوسی، ۱۳۸۰: ۱/۲۸۶، ۲۹۹، ۳۰۸ و ۳۷۷.

۲۱. رنگِ بنایِ طاعت بر خدمتِ سُرین نه امروز طرحِ محرابِ جز گنبدین که دارد؟

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۱: ۴۱۵)

۲۲. از جمله:

کمندِ زلف بر خاک اوفگنده به لب شوری در افلاک اوفگنده

(عطار، ۱۳۸۷: ۱۹۱، ب ۱۸۴۷)

بر زمین چندین کمندِ مُشک بویِ خود مکش زان که صد جانِ بلاکش بسته هر مویِ توست

(فخری هروی، ۱۳۶۶: ۲۹)

منابع

- آقابابایی، زهرا، (۱۳۹۹)، «ز بالا و دیدار آن سروین»، چاه، شماره پانزدهم، دی و بهمن ۱۳۹۹، ص ۱۵۴-۱۶۵.
- آیدنلو، سجاد، (۱۳۹۴)، معرّفی و بررسی دو تصحیح تازه شاهنامه (ویرایش نهایی چاپ مسکو و ویرایش دوم شاهنامه به اهتمام جلال خالقی مطلق)، آینه میراث، ضمیمه شماره ۴۰.
- اسدی طوسی، (۱۳۱۷)، گرشاسپ‌نامه، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: بروخیم.
- اسعد گرگانی، فخرالدین، (۱۳۸۶)، ویس و رامین، با مقدمه و تصحیح و تحشیه استاد محمد روشن، تهران: صدای معاصر.
- امیدسالار، محمود، (۱۳۷۴)، «تیغ درم یا سیمین قلم؟»، ایران‌شناسی، سال هفتم، شماره ۱، بهار، ص ۱۰۰-۱۰۸.
- بیدل دهلوی، (۱۳۸۱)، کلیات دیوان، با تصحیح: خال محمد خسته-خلیل خلیلی، با اهتمام حسین آهی، تهران: فروغی، چاپ چهارم.
- جهان‌بخش، جويا، (۱۳۷۱)، «در بارگاه سیمغ» (تأملی چند در ابیاتی از شاهنامه)، گلچرخ، سال اول، شماره ۳، ص ۴۶-۵۰.
- خالقی مطلق، جلال، (۱۳۶۶)، «چهل و یک نکته در ابیات شاهنامه»، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش: ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ص ۱۸۲۸-۱۸۵۶.
- خالقی مطلق، جلال، (۱۳۹۱). یادداشت‌های شاهنامه، با همکاری دکتر محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم.
- خالقی مطلق، جلال، (۱۳۹۵)، نقدی در ترازوی نقد، گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه شماره ۵، پاییز.
- خالقی مطلق، جلال، (۱۴۰۳)، گزارش شاهنامه (معنی واژه، وجه دستوری، شرح و تفسیر بیت)، تهران: سخن.
- خلیل شروانی، جمال، (۱۳۷۵)، زهه‌المجالس، تصحیح و تحقیق دکتر محمّدامین ریاحی، تهران: علمی، چاپ دوم.
- خواجهی کرمانی، (۱۳۷۰)، خمسه، تصحیح سعید نیاز کرمانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- دالوند، یاسر، (۱۳۹۷)، «از آن گنبد سیم سر بر زمین»، جشن‌نامه دکتر محمود مدبری، به کوشش دکتر نجمه حسینی، دکتر علی جهانشاهی افشار و منوچهر فروزنده‌فرد، چاپ دیجیتال/پی‌دی‌اف، ص ۱۸۳-۱۸۹.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران: چاپ دوم از دوره جدید.
- رامپوری، غیاث‌الدین، (۱۳۶۳)، غیاث‌اللغات، به کوشش دکتر منصور ثروت، تهران، امیرکبیر.
- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۶۹)، تصویرآفرینی در شاهنامه فردوسی (بررسی و نقد تشبیهات و استعارات در شاهنامه فردوسی)، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رواقی، علی، (۱۳۵۵)، واژه‌های ناشناخته در شاهنامه، تهران: بی‌نا، دفتر ۲.
- رواقی، علی، (۱۳۶۸الف)، «شاهنامه‌ای دیگر» (۱)، کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۱ (پیاپی ۷۱)، بهمن ۱۳۶۸، ص ۱۶-۱۹.
- رواقی، علی، (۱۳۶۸ب)، «شاهنامه‌ای دیگر» (۲)، کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۲ (پیاپی ۷۲)، اسفند ۱۳۶۸، ص ۳۱-۳۵.
- رواقی، علی، (۱۳۶۹)، «باری دیگر، شاهنامه‌ای دیگر»، کیهان فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳ (پیاپی ۷۵)، خرداد ۱۳۶۹، ص ۳۴-۳۶.
- رواقی، علی، (۱۳۹۰)، فرهنگ شاهنامه، تهران: فرهنگستان هنر.
- زرین‌قبنامه، (۱۳۹۳)، سراینده: ناشناس، تصحیح سجاد آیدنلو، تهران: سخن.
- زلالی خوانساری، (۱۳۸۴)، کلیات، تصحیح و تحقیق: دکتر سعید شفیعیون، تهران: کتابخانه مجلس.
- سامانه دادگان (پیکره جامع زبانی گروه فرهنگ نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، به نشانی: www.dadegan.apll.ir
- سعدی، (۱۳۸۵۹)، کلیات، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: زوار، چاپ سوم.
- سوزنی سمرقندی، (۱۳۳۸)، دیوان، تصحیح دکتر ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران: امیرکبیر.

- طرطوسی، ابوطاهر، (۱۳۸۰)، ابومسلم‌نامه، به اهتمام حسین اسماعیلی، تهران: معین، قطره و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- عسجدی مروزی، (۱۳۹۴)، دیوان، به کوشش دکتر علی‌رضا شعبانیان، تهران: سوره مهر.
- عطار نیشابوری، (۱۳۸۷)، الهی‌نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمد‌رضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- فخری هروی، (۱۳۶۶)، دیوان، به کوشش احمد کرمی، تهران: تالار کتاب.
- فرخی سیستانی، (۱۳۸۵)، دیوان، به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، تهران: زوّار، چاپ هفتم.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۶۹)، شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس مورخ ۶۱۴ ه.ق)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی و دانشگاه تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۴)، شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا به شماره *Add 21.103* مشهور به شاهنامه لندن)، نسخه برگردانان: ایرج افشار و محمود امیدسالار، تهران: طلایه.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، شاهنامه (نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری، کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن‌ژوزف بیروت، شماره *NC.43*)، به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، تهران: طلایه.
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه توپقاپوسرای، کتابت سال ۷۳۱ ه.ق)، شماره *H 1479*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه لنینگراد، کتابت سال ۷۳۳ ه.ق)، شماره *Dorn 329*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه قاهره، کتابت سال ۷۴۱ ه.ق)، شماره ۶۰۰۶ س
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه توپقاپوسرای، کتابت سال ۷۷۲ ه.ق)، شماره *H 1511*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه قاهره، کتابت سال ۷۹۶ ه.ق)، شماره ۱۶۶۱
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه بنیاد خاورشناس کاما در بمبئی، ظاهراً کتابت سده ۸ ه.ق)، شماره ۱۶۶۱
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۹ الف)، شاهنامه همراه با خمسة نظامی (نسخه سعدلو، احتمالاً کتابت سده ۸ ه.ق)، با مقدمه دکتر فتح‌الله مجتبیایی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه دهلی، کتابت سال ۸۳۱ ه.ق)، شماره 601
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه قاهره، کتابت سال ۷۹۶ ه.ق)، شماره ۱۶۶۱
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۵۰)، شاهنامه (چاپ عکسی نسخه بایسنقری، کتابت سال ۸۲۹-۸۳۳ ه.ق)، تهران: شورای جشن‌های شاهنشاهی.
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه نورعثمانیه، کتابت سال ۸۳۴ ه.ق)، شماره *FF ۸۴*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه بادلیان، کتابت سال ۸۱۷-۸۳۸ ه.ق)، شماره *MS. Ouseley Add. 176*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه لیدن، کتابت سال ۸۴۰ ه.ق)، شماره *Or. 1403*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه لندن/ بریتانیا، کتابت سال ۸۴۱ ه.ق)، شماره *Or. 494*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه سلیمانیه، کتابت سال ۸۴۳ ه.ق)، شماره *F ۴۸۶*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت سال ۸۴۴ ه.ق)، شماره *Suppl. Pers. 493*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت سال ۸۴۶ ه.ق)، شماره *FF ۸۵*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت سال ۸۴۸ ه.ق)، شماره *Suppl. Pers. 494*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه واتیکان، کتابت سال ۸۴۸ ه.ق)، شماره *Vat. Persaino. 118*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه بادلیان، کتابت سال ۸۵۲ ه.ق)، شماره *Ms. Pers. C.4*
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت سال ۸۵۷ ه.ق)، شماره *F ۸۶۱*

- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت سال ۸۶۱ ه.ق)، شماره F ۲۸۸
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه برلین، کتابت سال ۸۹۴ ه.ق)، شماره Ms. Or. Fol. 4255
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه دانشگاه استانبول، کتابت سال ۸۹۵ ه.ق)، شماره F 1407
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه بادلیان، کتابت سال ۸۹۹ ه.ق)، شماره Ms. Elliott. 325
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه محمّد عاصم بی، کتابت سال ۸۹۹ ه.ق)، شماره F ۹۲
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه مونیخ، کتابت سال ۹۰۲ ه.ق)، شماره 934
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه چستریتی، کتابت سال ۹۰۵ ه.ق)، شماره Per 295
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه پاریس، تاریخ مقدمه: ۹۵۰ ه.ق)، شماره Suppl Pers. 489
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه بادلیان، کتابت سال ۹۵۹ ه.ق)، شماره Ms. Quesley 369
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، کتابت سال ۹۶۸ ه.ق)، شماره FF ۸۶
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت سال ۹۷۴ ه.ق)، شماره Suppl. Pers. 489
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه برلین، کتابت سال ۱۰۰۲ ه.ق)، شماره Deiez A fol. 1
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت سال ۱۰۱۲ ه.ق)، شماره Suppl. Pers. 490
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه کتابخانه مجلس، کتابت سال ۱۰۱۶ ه.ق)، شماره ۱۴۵۸۸
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه دانشگاه مسکو، کتابت سال ۱۰۴۲ ه.ق)، شماره 107687
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه کتابخانه مجلس، کتابت سال ۱۰۵۵ ه.ق)، شماره ۶۱۴۳۲
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه کتابخانه ملی ایران، کتابت سال ۱۰۶۱ ه.ق)، شماره ۹۲۲۸
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه سلیمانیه، کتابت سال ۱۰۸۰ ه.ق)، شماره ۲ Fol
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه پاریس، کتابت سال ۱۱۲۲ ه.ق)، شماره Smith- Lesouef 222
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه استراسبورگ، کتابت سال ۱۲۲۲ ه.ق)، شماره Ms 4692
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه ایاصوفیه، بی تاریخ)، شماره F ۲۸۹
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه پاریس، بی تاریخ)، شماره Smith- Lesouef 222
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه دانشگاه هاروارد، بی تاریخ)، شماره 422
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه دانشگاه میشیگان، بی تاریخ)، شماره 280
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه کتابخانه مجلس، بی تاریخ)، شماره ۱۵۲۳۵
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه کتابخانه مجلس، بی تاریخ)، شماره ۱۷۲۳۷
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه (نسخه کتابخانه مجلس، بی تاریخ)، شماره ۶۱۸۶۲
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۸۲۹)، شاهنامه، به کوشش ترنر مکان، کلکته.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳)، شاهنامه، شاهنامه، تصحیح ژول مول، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ سوم.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۸۷۷)، شاهنامه، به کوشش یوحنا ولرس، لیدن: بریل.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۴)، شاهنامه (بر اساس چاپ مسکو)، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۵ الف)، شاهنامه، به کوشش محمّد رضانی، تهران: پدیده (کلاله خاور)، چاپ سوم.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۹۷۱)، شاهنامه (ویرایش دوم چاپ مسکو)، به کوشش رستم علی‌یف و محمّد نوری عثمانوف، تهران.

- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۵ب)، شاهنامه، ویراسته مهدی قریب و محمدعلی بهبودی، تهران: توس.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، شاهنامه از دست‌نویس موزه فلورانس (۶۱۴ ه.ق)، گزارش دکتر عزیزالله جوینی، تهران: دانشگاه تهران ج ۲.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۷۹)، شاهنامه، تصحیح مصطفی جیحونی، اصفهان: شاهنامه‌پژوهی.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، شاهنامه (براساس چاپ مسکو)، با توضیحات: دکتر توفیق ه. سبحانی، تهران: روزنه.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶ الف)، شاهنامه، توضیح واژه‌ها و معنای ابیات: کاظم برگ‌نیسی، تهران: فکر روز، چاپ دوم (ویراست نخست) ۱۳۸۶ ج ۱.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶ب)، شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، دفتر ششم با همکاری دکتر محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶ج)، شاهنامه، به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶د)، شاهنامه (چاپ بروخیم)، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی و سعید نفیسی، به اهتمام بهمن خلیفه، تهران: طلایه.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶ه)، شاهنامه، ویرایش مهدی قریب، تهران: دوستان.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۷)، شاهنامه، ویرایش فریدون جنیدی، تهران: بلخ.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱ الف)، شاهنامه، تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات: دکتر مهری بهفر، تهران: نشر نو، دفتر دوم.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱ب)، شاهنامه (ویرایش نهایی چاپ مسکو)، زیر نظر مهدی قریب، تهران: سروش با همکاری دانشگاه خاورشناسی مسکو.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۹۸)، شاهنامه، پیرایش دکتر جلال خالقی مطلق، تهران، سخن، دوره چهارجلدی، چاپ سوم.
- قصه حسین کرد شبستری (بررسی روایت ناشناخته موسوم به حسین‌نامه)، (۱۳۸۵)، به کوشش ایرج افشار - مهران افشاری، تهران: چشمه.
- کاویانی، مصطفی، (۱۳۹۳)، داستان زال و رودابه بر اساس شاهنامه فردوسی، اصفهان: نقش مانا.
- کزازی، میر جلال‌الدین، (۱۳۹۴)، نامه باستان (ویرایش و گزارش شاهنامه)، تهران: سمت، چاپ دهم، ویراست دوم، ج ۱.
- لامعی گرگانی، (۱۳۵۵)، دیوان، تهران: اشرفی، چاپ دوم.
- مختاری، (۱۳۹۷)، شهریارنامه، تصحیح و تحقیق: دکتر رضا غفوری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار وسخن.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۷۷)، ظفرنامه به انضمام شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا *Or.* 2833)، تهران و وین: مرکز نشر دانشگاهی و آکادمی علوم اتریش.
- مولایی، چنگیز، (۱۳۹۰)، «سیمین قلم و تیغ قلم در شاهنامه فردوسی»، جستارهای ادبی، سال چهل و چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۷۴)، پاییز، ص ۱۶۷-۱۸۳.
- نرم‌افزار دُر ج ۴ (بزرگترین کتابخانه الکترونیک شعر و ادب فارسی، ۲۳۶ اثر نظم و نثر ادبی)، تهران، موسسه فرهنگی مهرارقام ایرانیان، ۱۳۹۰.
- نظامی گنجوی، (۱۳۸۷)، خسمه (براساس چاپ مسکو - باکو)، تهران: هرمس، چاپ دوم.
- یغمای جندقی، (۱۳۶۲)، مجموعه آثار، تصحیح و تدوین: سید علی آل‌داوود، تهران: توس.
- یوسف و زلیخا، (۱۳۴۴ ه.ق)، به تصحیح و خط میرزا محمود ادیب شیرازی، بمبئی: مطبعة مظفری.
- یوسف و زلیخا، (۱۳۶۹)، به اهتمام دکتر حسین محمدزاده صدیق، تهران: آفرینش.
- یوسف و زلیخا، (۱۳۹۵)، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر حسین محمدزاده صدیق، مقابله با نسخ: لیلی قاضی‌زاده، به اهتمام دکتر حسن شعبانی آزاد، تهران: تک‌درخت.

References:

- Āqābāyi, Zahra (2020) “Ze bālā va didār-e ān sarvbon” (“From Above and the Meeting of That Cypress”). *Čāme*, no. 15, Dey–Bahman 1399 [Jan–Feb 2021], pp. 154–165. [In Persian].
- Āydenlu, Sajjād (2015) “Mo‘arrefi va barrasiyedo tashih-e tāze az Šāhnāme (Final Moscow Edition and Second Edition by Jalāl Xāleqi-Motlaq)”. *Āyene-ye Mirās*, supplement to no. 40. [In Persian].
- Asadi Tusi (1938) *Garšāsb-nāme*. ed. Habib Yaqma‘i. Tehran: Boruxim. [In Persian].
- As‘ad Gorgāni, Faxr al-Din (2007) *Vis o Rāmin*. ed. and annotated by Mohammad Rowšan. Tehran: Sedāye Mo‘āser. [In Persian].
- Omidšālār, Mahmud (1995) “Tiq-e deram yā simin-qalam?” (“Silver Sword or Silken Pen?”). *Irānšenāsi*, vol. 7, no. 1, Spring, pp. 100–108. [In Persian].
- Bidel Dehlavi (2002) *Kolliyāt-e Divān*. eds. Xāl Mohammad Xasta and Xalil Xalili, with editorial supervision by Hoseyn Āhi. Tehran: Foruqi, 4th ed. [In Persian].
- Jahānbaxš, Juyā (1992) “Dar bārgāh-e Simorq” (“In the Court of the Simorgh”). *Golčarx*, vol. 1, no. 3, pp. 46–50. [In Persian].
- Xāleqi-Motlaq, Jalāl (1987) “Čehlo-yek نکته dar abyāt-e Šāhnāme” (“Forty-One Notes on Verses of the Šāhnāme”). In: *Nāmvāre-ye Dr. Mahmud Afšār*, eds. Iraj Afšār and Karim Esfahāniyān. Tehran: Mahmud Afšār Foundation, pp. 1828–1856. [In Persian].
- Xāleqi-Motlaq, Jalāl (2012) *Yāddāšt-hāye Šāhnāme* (Šāhnāme Notes). with Mahmud Omidšālār and Abolfazl Xatibi. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopaedia, 2nd ed. [In Persian].
- Xāleqi-Motlaq, Jalāl (2016) *Naqdi dar tarāzuye naqd* (“A Critique in the Scale of Criticism”). *Gozāreš-e Mirās*, 2nd series, supplement to no. 5, Autumn. [In Persian].
- Xāleqi-Motlaq, Jalāl (2025) *Gozāreš-e Šāhnāme* (Šāhnāme Commentary: Lexical Meaning, Grammar, Interpretation). Tehran: Soxan. [In Persian].
- Xalil Šarvāni, Jamāl (1996) *Nozhat al-Majāles*. ed. Mohammad-Amin Riyāhi. Tehran: ‘Elmi, 2nd ed. [In Persian].
- Xāju-ye Kermāni (1991) *Xomsa*. ed. Sa‘id Niyāz Kermāni. Kerman: Shahid Bāhonar University of Kerman. [In Persian].
- Dālvand, Yāsar (2018) “Az ān gonbad-e sim-e sar bar zamin” (“From That Silver Dome to the Ground”). In: *Festschrift for Dr. Mahmud Modabberi*, eds. Najmeh Hoseyni, ‘Ali Jahānšāhi Afšār, and Manučehr Foruzande-Fard. Digital/PDF edition, pp. 183–189. [In Persian].
- Dehxodā, ‘Ali-Akbar (1998) *Loqatnāme* (Dictionary). Tehran: University of Tehran, 2nd ed. [In Persian].
- Rāmpuri, Qiyās al-Din (1984) *Qiyās al-Loqāt*. ed. Mansur Sarvat. Tehran: Amirkabir. [In Persian].
- Rastegār Fasā‘i, Mansur (1990) *Tasvir-āfarini dar Šāhnāme-ye Ferdowsi* (Imagery in Ferdowsi’s Šāhnāme). Shiraz: University of Shiraz. [In Persian].
- Ravāqi, ‘Ali (1976) *Vāzeh-hāye nāšenāxte dar Šāhnāme* (Unknown Words in the Šāhnāme). Tehran: n.p., vol. 2. [In Persian].
- Ravāqi, ‘Ali (1989a) “Šāhnāme-‘i digar (1)” (“Another Šāhnāme (1)”). *Keyhān-e Farhangi*, vol. 6, no. 11 (serial no. 71), Bahman 1368 [Feb 1990], pp. 16–19. [In Persian].
- Ravāqi, ‘Ali (1989b) “Šāhnāme-‘i digar (2)” (“Another Šāhnāme (2)”). *Keyhān-e Farhangi*, vol. 6, no. 12 (serial no. 72), Esfand 1368 [Mar 1990], pp. 31–35. [In Persian].
- Ravāqi, ‘Ali (1990) “Bāri digar, Šāhnāme-‘i digar” (“Once Again, Another Šāhnāme”). *Keyhān-e Farhangi*, vol. 7, no. 3 (serial no. 75), Xordād 1369 [June 1990], pp. 34–36. [In Persian].
- Ravāqi, ‘Ali (2011) *Farhang-e Šāhnāme* (Šāhnāme Dictionary). Tehran: Academy of Arts. [In Persian].
- Zarrin-Qabānāme (2014) Author unknown. ed. Sajjād Āydenlu. Tehran: Soxan. [In Persian].
- Zolāli Xānsāri (2005) *Kolliyāt*. ed. Sa‘id Šafi‘iyyun. Tehran: Majles Library. [In Persian].

- Dādegān Corpus (Comprehensive Linguistic Corpus of the Academy of Persian Language and Literature). Available at:
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1995 [1374]) *Šāhnāme* (Based on the Moscow Edition). ed. Sa'īd Hamidiyān. Tehran: Qatre. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1996 [1375a]) *Šāhnāme*. ed. Mohammad Ramazāni. Tehran: Padide (Kolāleye Xāvar), 3rd ed. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1971) *Šāhnāme* (Second Edition of the Moscow Edition). eds. Rostam 'Aliyev and Mohammad Nuri 'Osmanov. Tehran. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1996 [1375b]) *Šāhnāme*. eds. Mahdi Qarib and Mohammad-'Ali Behbudi. Tehran: Tus. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1998 [1377]) *Šāhnāme* (Based on the Florence Manuscript, dated 614 AH). commentary by 'Aziz-Allāh Joveyni. Tehran: University of Tehran, vol. 2. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2000 [1379]) *Šāhnāme*. ed. Mostafā Jihuni. Esfahan: Šāhnāme-Pājuhi. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2006 [1385]) *Šāhnāme* (Based on the Moscow Edition). commentary by Towfiq H. Sobhāni. Tehran: Ruzane. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386a]) *Šāhnāme* (Glossary and Verse Meanings). ed. Kāzem Barg-Neysi. Tehran: Fekr-e Ruz, 2nd ed. (First Edition: 2007), vol. 1. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386b]) *Šāhnāme*. ed. Jalāl Xāleqi-Motlaq. vol. 6 with Mahmud Omidsālār, vol. 7 with Abolfazl Xatibi. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopaedia. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386c]) *Šāhnāme*. ed. Seyyed Mohammad Dabirsiyāqi. Tehran: Qatre. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386d]) *Šāhnāme* (Boruxim Edition). eds. 'Abbās Eqbāl Āshtiyāni, Mojtabā Minovi, and Sa'īd Nafisi. supervised by Bahman Xalifeh. Tehran: Talāye. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386e]) *Šāhnāme*. ed. Mahdi Qarib. Tehran: Dustān. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2008 [1387]) *Šāhnāme*. ed. Feridun Joneydi. Tehran: Balx. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2012 [1391a]) *Šāhnāme*. critical edition and verse-by-verse commentary by Mehri Behfar. Tehran: Našr-e Now, vol. 2. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2012 [1391b]) *Šāhnāme* (Final Moscow Edition). supervised by Mahdi Qarib. Tehran: Soruš in collaboration with Moscow Institute of Oriental Studies. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1984 [1363]) *Šāhnāme*. ed. Jules Mohl. Tehran: Pocket Books Co., 3rd ed. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1877) *Šāhnāme*. ed. Johann Vullers. Leiden: Brill. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1995 [1374]) *Šāhnāme* (Based on the Moscow Edition). ed. Sa'īd Hamidiyān. Tehran: Qatre. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (1971) *Šāhnāme* (Second Moscow Edition). eds. Rostam 'Aliyev and Mohammad Nuri 'Osmanov. Tehran. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2000 [1379]) *Šāhnāme*. ed. Mostafā Jihuni. Esfahan: Šāhnāme-Pājuhi. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2006 [1385]) *Šāhnāme* (Based on the Moscow Edition). commentary by Tofiq H. Sobhāni. Tehran: Ruzane. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386a]) *Šāhnāme* (Glossary and Verse Meanings). ed. Kāzem Barg-Nisi. Tehran: Fekr-e Ruz, 2nd ed., vol. 1. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386b]) *Šāhnāme*. ed. Jalāl Xāleqi-Motlaq. vol. 6 with Mahmud Omidsālār, vol. 7 with Abolfazl Xatibi. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopaedia. [In Persian].

- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386c]) *Šāhnāme*. ed. Seyyed Mohammad Dabirsiyāqi. Tehran: Qatre. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386d]) *Šāhnāme* (Boruxim Edition). eds. ‘Abbās Eqbāl Āshtiyāni, Mojtabā Minuvi, and Sa‘id Nafisi. supervised by Bahman Xalifeh. Tehran: Talāye. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2007 [1386e]) *Šāhnāme*. ed. Mahdi Qarib. Tehran: Dustān. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2008 [1387]) *Šāhnāme*. ed. Faridun Joneydi. Tehran: Balx. [In Persian].
- Ferdowsi, Abu al-Qāsem (2019 [1398]) *Šāhnāme*. edited by Jalāl Xāleqi-Motlaq. Tehran: Soxan, 4 vols., 3rd ed. [In Persian].
- Qesse-ye Hoseyn Kord-e Šabestari* (2006 [1385]) “A Study of the Unknown Narrative Known as Hoseyn-nāme”. eds. Iraj Afšār and Mehrān Afšāri. Tehran: Češme. [In Persian].
- Kāvīyāni, Mostafā (2014 [1393]) *Dāstān-e Zāl o Rudābe bar asās-e Šāhnāme-ye Ferdowsi* (The Story of Zāl and Rudābe Based on Ferdowsi’s Šāhnāme). Esfahan: Naqš-e Mānā. [In Persian].
- Kazzazi, Mir Jalāl al-Din (2015 [1394]) *Nāme-ye Bāstān* (Edition and Commentary of the Šāhnāme). Tehran: SAMT, 10th ed., 2nd rev., vol. 1. [In Persian].
- Lāme‘i Gorgāni (1976 [1355]) *Divān*. Tehran: Ašrafī, 2nd ed. [In Persian].
- Moxtāri (2018 [1397]) *Šahriyār-nāme*. ed. Rezā Qafari. Tehran: Mahmud Afšār Foundation and Soxan. [In Persian].
- Mostowfi, Hamd-Allāh (1998 [1377]) *Zafar-nāme* with Šāhnāme Appendix (Facsimile of the British Library Manuscript Or. 2833, dated 807 AH). Tehran and Vienna: University Publishing Center and Austrian Academy of Sciences. [In Persian].
- Mowlā‘i, Čangiz (2011 [1390]) “Simin Qalam o Tiq-e Qalam dar Šāhnāme-ye Ferdowsi” (“Silver Pen and Sword of the Pen in Ferdowsi’s Šāhnāme”). *Jostārḥā-ye Adabi*, vol. 44, no. 3 (serial no. 174), Autumn, pp. 167–183. [In Persian].
- Dorj 4 Software* (2011 [1390]) “The Largest Digital Library of Persian Poetry and Literature (236 Works of Verse and Prose)”. Tehran: Mehr Arqam Iranian Cultural Institute. [In Persian].
- Nezāmi Ganjavi (2008 [1387]) *Xamsa* (Based on the Moscow–Baku Edition). Tehran: Hermes, 2nd ed. [In Persian].
- Yaqmāye Jandaqi (1983 [1362]) *Collected Works*. ed. Seyyed ‘Ali Āl-e Dāvud. Tehran: Tus. [In Persian].
- Yusuf o Zolayxā* (1925 [1344 AH]) ed. and calligraphy by Mirzā Mahmud Adib Širāzi. Bombay: Mozaʿffari Press. [In Persian].
- Yusuf o Zolayxā* (1990 [1369]) ed. Hoseyn Mohammadzāde Sadiq. Tehran: Āfarineš. [In Persian].
- Yusuf o Zolayxā* (2016 [1395]) intro., edition, and annotations by Hoseyn Mohammadzāde Sadiq. manuscript comparison by Leyli Qāzizāde. supervised by Hasan Ša‘bāni Āzād. Tehran: Tak-Deraxt. [In Persian].